



سلسله مباحث مهدویت

منجی از دیدگاه ادیان



علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رضوانی، علی اصغر
منجی از دیدگاه ادیان / تألیف علی اصغر رضوانی. -- قم مسجد مقدّس صاحب الزمان
(جمکران)، ۱۳۸۵.

ISBN 964-973-025-7

۷۲ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. مهدویت در ادیان. ۲. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق، - ۳. مهدویت --
پیشگوی ها. ۴. عیسی مسیح در قرآن. الف، مسجد جمکران (قم). ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

م ۵۵ ر ۴ / ۴ / ۲۲۴ BP

۱۸۳۲۵ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران



کتابخانه ملی ایران

- | | | |
|--------------------------|------------|----------------------------|
| <input type="checkbox"/> | نام کتاب: | منجی از دیدگاه ادیان |
| <input type="checkbox"/> | مؤلف: | علی اصغر رضوانی |
| <input type="checkbox"/> | صفحه آرا: | امیرسعید سعیدی |
| <input type="checkbox"/> | ناشر: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> | تاریخ نشر: | تابستان ۱۳۸۵ |
| <input type="checkbox"/> | نوبت چاپ: | اول |
| <input type="checkbox"/> | چاپ: | سرور |
| <input type="checkbox"/> | تیراژ: | ۳۰۰۰ جلد |
| <input type="checkbox"/> | قیمت: | ۳۰۰ تومان |
| <input type="checkbox"/> | شابک: | ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۰۲۵ - ۷ |

- | | | |
|--------------------------|---|----------------------------|
| <input type="checkbox"/> | مرکز پخش: | انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| <input type="checkbox"/> | فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران | |
| <input type="checkbox"/> | تلفن و نمابر: | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱ |
| <input type="checkbox"/> | قم - صندوق پستی: | ۶۱۷ |

«حق چاپ مخصوص ناشر است»

منجی از دیدگاه ادیان

تألیف: علی اصغر رضوانی

فهرست مطالب

۷	مقدمه ناشر.....
۹	پیشگفتار.....
۱۰	ترسیم خطوط کلی روز موعود قبل از اسلام.....
۱۴	منجی در آیین زردشت.....
۱۴	اشاره به اصل نجات بخشی.....
۱۶	جهان مطلوب.....
۱۷	اشاره به موعود.....
۱۹	زمینه‌سازان.....
۲۱	جهان در پایان هر یک از هزاره‌ها.....
۲۵	منجی در آیین یهود.....
۲۵	نجات پرهیزکاران در پایان تاریخ.....
۲۷	خصوصیات موعود.....
۲۸	اتفاق یهود و نصارا.....
۳۰	رسوخ عقیده نجات در یهودیت.....
۳۱	مهدی موعود <small>علیه السلام</small> در مزمور داوود.....
۳۲	انتظار مسیحیا در آیین یهود.....
۳۴	آرمان قیام منجی.....
۳۷	اعتقاد به منجی در آیین مسیحیت.....
۳۷	بشارت حضرت مسیح <small>علیه السلام</small>
۳۸	منجی موعود در عهد جدید.....
۳۹	اشاره به مادر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

۴۰	ملکوت خدا در عهد جدید
۴۲	هدف از ملکوت الهی در قرآن
۴۳	صعود مسیح <small>ﷺ</small> به آسمان
۴۸	بازگشت حضرت مسیح <small>ﷺ</small>
۴۸	الف - عهد جدید
۴۸	ب - قرآن کریم
۵۱	ج - روایات
۵۲	منظور از «فرزند انسان» کیست؟
۵۴	ظهور منجی در آخرالزمان
۵۵	جهانی بودن دولت منجی
۵۷	اوصاف شرکت کنندگان در حکومت عدل جهانی
۵۷	۱ - اطاعت
۵۷	۲ - صدق در ایمان
۵۸	۳ - عمل به احکام
۵۸	۴ - استضعاف
۵۸	۵ - تقوا
۵۹	حکومت عدل جهانی، آرزوی امت‌ها
۶۰	ایمان آوردن مسیح <small>ﷺ</small> به نبوت پیامبر اکرم <small>ﷺ</small>
۶۱	رهبری حضرت مهدی <small>ﷺ</small> و همکاری مسیح <small>ﷺ</small>
۶۲	نقد احتمال اول
۶۲	نقد احتمال دوم
۶۵	قوت احتمال سوم
۶۷	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدّس جمکران
حسین احمدی

پیشگفتار

اعتقاد به منجی بزرگ جهانی که زود است ظهور کرده و عدل و داد را در سرتاسر گیتی منتشر سازد و اهداف تمام انبیای الهی را پیاده کند، عقیده‌ای است و فراگیر که تمام ملت‌ها و صاحبان ادیان آسمانی و شبه دینی و غالب گروه‌ها و جمعیت‌ها آن را قبول دارند، از باب نمونه:

۱ - یهود ایمان دارد که عزیر پیامبر یا منحاس بن عازربن هارون ظهور خواهد کرد.

۲ - مسیحیان معتقد به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام هستند.

۳ - زردشتیان می‌گویند: بهرام شاه باز می‌گردد و لذا به انتظار او نشسته‌اند.

۴ - هندوها معتقد به بازگشت فیشنوا شده‌اند.

۵ - بودایی‌ها می‌گویند که دوباره بودا باز می‌گردد.

همان‌گونه که این عقیده در مصر قدیم و نزد مغولان و چینی‌ها نیز رایج بوده است.^۱

ایرانیان باستان نیز معتقد بودند که مردی شجاع از آنان به نام «گرازاسپه» زنده است و در کمال سلامتی به حیات خود ادامه می‌دهد و صد هزار ملک او را حفظ می‌کند تا قبل از قیامت برای اصلاح عالم ظهور نماید. و برخی از

۱. الامامة و قیام القیامة، ص ۲۷۰ - ۲۷۱، العقیة و الشریعة فی الاسلام ص ۱۹۲.

ایرانیان نیز معتقد بودند که «کیخسرو» بعد از تنظیم امور مملکت و استحکام ارکان دولت، حکومت را به فرزندش تفویض نمود و خودش به غاری پناه برد و در آن آرمید تا هنگامی که ظهور کرده و کافران را در عالم هلاک سازد. همان‌گونه که طائفه‌ای از پرتغالی‌ها معتقدند که حاکمی از حاکمانشان به نام «سَبَسْتیانوس» که الآن از چشمان همه غائب است در آخرالزمان خروج کرده و جمیع عالم را مسخر خود خواهد کرد، و در آن هنگام در عالم دین واحد و رهبری واحد خواهد بود.^۱

ترسیم خطوط کلی روز موعود قبل از اسلام

مقصود ما در این فصل ترسیم خطوط کلی موجود قبل از عصر اسلام برای روز موعود است. به این معنا، بشریت از زمانی که پا به عرصه فرهنگ و شعور و درک گذاشت چگونه با این عقیده و فکر یعنی اعتقاد به ظهور منجی انس گرفت. با تأملی در خلقت انسان و بشریت پی می‌بریم که بازگشت ترسیم خطوط الهی برای روز موعود به شروع خلقت است؛ زیرا روز موعود هدف و غرض خلقت به حساب آمده است. یعنی هدف از خلقت آن است که عموم بشریت به کمال مطلوب خود در سطح گسترده برسد. ولی بشر در ابتدای امرش دو شرط از شرایط اصلی این هدف و به تعبیری دیگر تطبیق عدل کامل به معنای گسترده آن را نداشته است: یکی شناخت حقیقی مفهوم کامل عدل و دیگری آمادگی برای فداکاری در راه پیاده کردن آن بعد از شناخت کامل.

انبیای الهی در طول تاریخ بشریت درصدد برآمدند تا مردم را به این دو امر رسانده و به آن آگاه سازند. یعنی هم در ناحیه نظری، سطح فرهنگ و فکر آنان را بالا ببرند تا عدل کامل را درک نمایند و هم از ناحیه عملی، سیر بشر همراه با تعلیمات انبیا، مردم را آماده فداکاری برای پیاده کردن اهداف آنان نماید.

انبیای الهی در ضمن انجام وظیفه خود در این دو مورد، مردم را به هدف اساسی از خلقت که در روز موعود تحقق پیدا می‌کند گوشزد کرده‌اند. لذا قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾^۱ «در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

و نیز می‌فرماید: ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾^۲ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»

و نیز می‌فرماید: ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾^۳ «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

انبیای الهی گرچه سعی بلیغ برای تحقق این دو شرط اساسی به جهت نزدیک شدن به هدف نمودند ولی به جهت بلندی و ارزش هدف و پایین بودن

۲. سوره القصص، آیه ۵.

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳.

سطح فکری مردم عصر خود نتوانستند مردم را نسبت در آن دو امر به فعلیت برسانند.

در مورد امر اول مشاهده می‌کنیم که چون مردم معنای صحیح عدل کلی را نمی‌فهمیدند لذا انبیاء طرحی جامع برای پیاده شدن آن از خود به جای گذاشته‌اند. و بدین جهت، هدف انبیای الهی قبل از حضرت موسی علیه السلام تنها نهادینه کردن اصل این عقیده بوده و چندان تعالیم عملی و شرعی از خود به جای نگذاشته‌اند. آری، از زمان حضرت موسی علیه السلام شروع تبیین و توضیح شرایع تفصیلی است که اوج آن در شریعت اسلامی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است تا سطح فکر بشر را بالا برده و شرط اساسی اول را بفهمند.

در تأیید این مطلب مشاهده می‌کنیم که شرایع قبل از اسلام عموماً یا غالباً شرایع اقلیمی و قومی بوده است برخلاف دین اسلام که برای عموم بشر فرستاده شده است.

در مورد شرط دوم نیز ملاحظه می‌کنیم که بشریت تاکنون اعلام آمادگی برای پیاده شدن حکومت عدل جهانی را از خود نشان نداده‌اند، همان‌گونه که از عملکرد و پرونده بشریت در طول تاریخ استفاده می‌شود.

حضرت نوح ۹۵۰ سال قوم خود را به ایمان و عمل صالح دعوت کرد ولی به جز افراد اندکی به او ایمان نیاوردند. خداوند سبحان در این باره از قول حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا * فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا * وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي

آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَاراً؛^۱ «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم. اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آنان نیفزود. و من هر زمان آن‌ها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند) تا آن‌ها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان قرار داده و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند».

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از دعوت مردم به توحید و مجاهدات فراوان در این راه در آخر، قوم او جمع شده و او را در آتش افکندند.

قوم حضرت موسی علیه السلام با آن همه مجاهدات که حضرت برای هدایت آن‌ها به خرج داد بعد از آنکه از آنان خواست که به فلسطین رفته و با فداکاری بر دشمن غلبه کنند به حضرت عرض کردند: ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾^۲؛ «تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم».

از اینجا چنین نتیجه می‌گیریم که قبل از اسلام، کوشش فراوانی در راه نزدیک شدن اهداف خلقت و حکومت عدل جهانی شد ولی این کوشش به سرانجام نرسید ولی با اسلام ادامه پیدا کرد.

منجی در آیین زردشت

اندیشه رسیدن به پیروزی نهایی و وصول به جهانی که در آن مرادهای آدمی برآورده شود و بر همه خواسته هایش پیروز گردد نزد زردشتیان و تعلیمات دینی آنها به وفور دیده می شود. پیروان «هرمزد» با اعتقاد به نیروی لایزال او، پیوسته در تلاش و جست و جوی نجات بخشی هستند که آرزوی آنان را برآورد و پرهیزکاران را به نعمت جاودانی و کافران را به رنجی جانکاه و مداوم دچار سازد. اینک به گزیده‌های از تعلیمات زردشتیان در این باره اشاره می کنیم.

اشاره به اصل نجات بخشی

در یکی از کتاب‌های مقدس آنها می خوانیم: «زندگان و آن‌هایی که بوده‌اند و خواهند بود نجاتی خواهند جست که از سوی او می آید، آن که امید می دهد که روان پرهیزکاران در بی مرگی نیرومند بود و آن دروندان در رنج جاودان. این‌ها را مزدا اهورا به شهر یاری (= نیروی) (خویش) آفرید».^۱

باز می خوانیم: «کسی که در این راه با دیوان و مردمان که به نوبه خود با او (= زردشت) مخالفت می کنند، ستیز کرده است. یعنی از آن مردمی است که به او (= زردشت) وفا دارند. چنین کسی با دینش (= وجدانش) تو را دوست، برادر یا پدر است. اهورا مزدا سرور خانه ما را نجات خواهد داد».^۲

و نیز در یکی از کتاب‌های دیگر آنان آمده است: «... از این جهت

۲. یسن / ۴۵، ب ۱۱.

۱. یسن / ۴۵، ب ۷.

سوشیانس (نامیده خواهدشد) زیرا که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.^۱

و نیز در جای دیگر می‌خوانیم: «ای مزدا! چه هنگام گاوهای آسمان برای برقراری جهان راستی طلوع خواهندکرد؟ هدف‌های سوشیانس‌ها با آموزش‌های کامل تو هماهنگ است. به سوی که برای یاری دادن اندیشه نیک باید رفت؟ به سوی من.»^۲

در کتاب «زند» بعد از ذکر مقابله و مبارزه همیشهگی ایزدان و اهریمنان آمده است: «در آن هنگام فتح، و پیروزی و نصرت ایزدان و منقرض شدن نسل اهریمنان، عالم به سعادت اصلی خود می‌رسد، و فرزندان آدم بر صندلی سعادت و برکت خواهند نشست.»^۳

از برخی عبارات «جاماسب» در کتاب «جاماسب نامه» به نقل از زردشت استفاده می‌شود که او اشاره به خروج حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان کرده است. او از «زردشت» چنین نقل می‌کند: «خروج می‌کند مردی از سرزمین تازیان از ذریه هاشم، مردی با سری بزرگ، جسمی عظیم، ساقی بلند، بر دین جدش، همراه با لشکری بسیار به ایران روی می‌آورد و زمین را آباد می‌کند و نیز آن را پر از عدل و داد خواهدکرد.»^۴

در همان کتاب بعد از بشارت به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «و از ذریه

۱. بخشی از بند ۱۳۹، فروردین یشت. ۲. یسن، ۴۶، ب ۳.

۳. بشارت العهدين، ص ۲۳۷ - ۲۳۸، به نقل از او.

۴. بشارت العدين، ص ۲۴۲ - ۲۴۳، به نقل از او.

دختر آن پیامبر که به خورشید عالم و شاه زمان (شاه زنان) معروف است، مردی به حکم یزدان حکومت می‌کند که او آخرین خلیفه آن پیامبر است. حکومت او در وسط عالم یعنی مکه است. و دولت او تا روز قیامت متصل خواهد شد... در آن هنگام تعداد بسیاری از افراد خوش نفس و انبیاء رجعت خواهند کرد...»^۱

جهان مطلوب

از خلال اشارات مبهم و کنایه‌آمیز «اوستا» می‌توان دریافت که آنان پیوسته برای رسیدن به جهانی مطلوب در کوشش اند و منتظر رسیدن روزی که در آن، همه آرزوهای مشروع برآورده شود و از دشمنی‌ها و نادرستی‌ها و فریب‌ها و نیرنگ‌ها اثری نباشد. «زردشت» خود برای رسیدن به چنین خواستی می‌کوشد و از «هرمزد» یاری می‌طلبد و از او برای نابودی بدان و ناراستان کمک می‌خواهد.

«سوشیانس‌ها» که پیروان راستین و برحق اویند نیز چنین هدفی را دارند و می‌خواهند دنیایی بسازند که فساد و تباهی در آن نباشد.

در یکی از کتاب‌های مقدس آنان می‌خوانیم: «یاران استوت ارت پیروزمند فراز آیند... خشم خونین سلاح دژفره از پیششان بگیریزد، اشه (= راستی)، دروغ بد دژچهر (= بدذات) در خود تاریکی را چیره خواهد شد. خرداد و مرداد گرسنگی و تشنگی زشت را چیره شود. اهریمن ناتوان و بدکار بگیریزد».^۲

۲. بخشی از بندهای ۹۵ و ۹۶ زامیادیش.

۱. همان، ص ۲۷۳.

و نیز می‌خوانیم: «پس باشد که از آنانی باشیم که جهان را نورانی کنیم ای مزدا! و شما ای اهوره‌های دیگر که حمایت و راستی را بیاوریم، وقتی که اندیشه‌ها آنجا یکی شوند.»^۱

و نیز در جاماسبنامه آمده است: «همانا (سوشیانس) - منجی بزرگ - دینش را در تمام سطح عالم ترویج خواهد کرد، و فقر و تنگدستی را از بین مردم زائل خواهد نمود. و مردم را بر یک عقیده و قول و عمل متفق خواهد کرد.»^۲

اشاره به موعود

در کتاب‌های مقدس زردشتیان به موعود جهانی اشاره شده است، آنجا که می‌گوید: «در این سه هزاره هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانس که جدا جدا در سر هر هزاره از ایشان یکی آید و همه کارهای جهان را بازآراید و پیمان شکنان و بت پرستان را در کشور بزند (= بشکند)».^۳

و نیز می‌خوانیم: «پس هزاره پنجم هوشیدران بن بود (= آغاز شد). هوشیدر زردشتیان نمودار (دین) و پیامبر راست از (سوی) هر مزد آید چنان که زردشت (دین) آورد او نیز دین آورد و رواج دهد.»^۴

و نیز می‌خوانیم: «به پایان هزاره (هوشیدر) هوشیدرماه به سی سالگی به همپرسگی هر مزد رسد. خورشید از آن روز بیست شبانه روز به بالست

۲. جاماسبنامه، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۱. باب ۹، یسن ۳۰.

۴. بندهش، ص ۱۸۷.

۳. مینوی خرد، پرسش ۱، باب ۹۵.

(آسمان) ایستد. هنگامی که آن مرد سی ساله شود همپرسی کند با امشاسپندان (که) فرمانروایان خوب (و) آفریدگان نیک (هستند) مزدا در روز روشن آشکار شود که جهان بی مست و بی کوی و بی کرپ است، یعنی به چیز ایزدان کوروکر نیستند... و پر جان داده شده است یعنی که باران بوده است...»^۱

و نیز می‌خوانیم: «بدان هزاره (= هزاره هوشیدرماه)، هوشیدرماه زردشت به پیامبری از (سوی) هر مزد آید، چنانکه زردشت دین آورد و اندر جهان روا کرد»^۲.

و نیز می‌خوانیم: «و آن‌گاه سی زمستان از آن دهمین سده سپری نشده، کنیز (ی) به آب نشیند که (نامش) «گواگ پد» است که مادر آن گواگ سوشیانس است که (او) نمودار بردن پتیاره اهریمن است و از دوده ایست و استر است... آن‌گاه اندر آن آب نشیند که پانزده ساله است... (آن کنیز) نه پیش از آن با مردان خوابید و نه پس از آن‌گاه که آبستن شد تا زمانی که آن (سوشیانس) بزاد»^۳.

و نیز می‌خوانیم: «سوشیانس، آخرین آفریده هر مزدی در زمین است. آخرین کسی که به زمین می‌آید سوشیانس است که جهان را پاک کند»^۴.
در آیین زردشت سه موعود ذکر شده که بر هریک از آن‌ها اسم

۱. دینکرد سنجانا، ج ۷۰، ف ۸، باب ۲۳. ۲. بندهش، ص ۱۸۸.

۳. دینکرد سنجانا، ج ۲، ف ۹، ب ۱۵ - ۱۹.

۴. پتیت ایرانی، باب ۲۲.

«سوشیانت» اطلاق شده است. هر سه نفر گرچه به عنوان موعود مطرح شده‌اند ولی آن چیزی که از اهمیت بیشتری برخوردار است موعود سوم است که به او لقب «سوشیانت پیروز» داده‌اند. آنان می‌گویند: «سوشیانت مزدکی به مثابه کریشنای براهمه و بودای پنجم بودایی‌ها و مسیح یهودی‌ها و فارقلیط عیسویان و به منزله مهدی نزد مسلمانان است».

زمینه‌سازان

ظهور هوشیدر همزمان با آغاز هزاره پنجم است. اندکی پیش از این قیام، دو نجات بخش دیگر که هر یک نقش ویژه و رسالتی خاص برعهده دارند، قیام می‌کنند. از متون موجود استنباط می‌شود که این دو تن زمینه را برای آمدن «هوشیدر» آماده می‌کنند و نابسامانی‌ها و آشوب‌هایی که آرامش مزدیسنان را برهم زده است فرو می‌نشانند. بررسی موعود در دین زردشتی بدون گفت و گو پیرامون این دو نفر کامل نخواهد بود.

الف - بهرام ورجاوند

درباره او و تولد و رشد و قیامش اشارات نسبتاً کافی در متون زردشتی آمده است. خروج او مژده پایان شب سیاه دین و طلوع سپیده امید گروندگان راستکار و درست پیمانی است که سال‌ها سرزنش بی‌دینان را تحمل کردند... او خواهد آمد تا دین زردشت را سامان دهد و آرزو و نیاز و خشم و کین و کفر را ریشه کن کند و اهریمن و دیوان بدنژاد را سست و زبون گرداند. با آمدن او بار دیگر زندگی بر چهره نیکان لبخند خواهد زد.

در یکی از کتاب‌های مقدس زردشتیان می‌خوانیم: «... آن هنگام از سوی کابلستان یکی آید که فره بدوست (و) از همان دودهٔ بغان (منظور از بغان، کیانیان است) و (او را) کی بهرام خوانند و همهٔ مردم با او باز شوند (= به او بگردند) و نیز به هندوستان و روم و ترکستان و همه سوی پادشاهی کند و همه وارونه گروشان (= بداعتقادان) را بردارند (= نابود کنند) (و) دین زردشت را سامان دهد...»^۱

ب - پشیوتن / پشوتن

پشیوتن یا چهرومیان فرزند گشتاسب نجات بخش دیگری است که برای ترویج و استحکام دین مزدیسنی از کنگدر ظهور می‌کند.

در یکی از کتاب‌های آنان آمده است: «در همان زمان (= در زمان هوشیدر) پشیوتن گشتاسپان از سوی کنگدر آید با یکصد و پنجاه مرد پرهیزکار، آن بتکده که رازگاه ایشان (= دیوان) بود بکند (= خراب کند) و به جای آن آتش بهرام نشاند. دین را (به) همه درست بگوید و سامان دهد. پس هزارهٔ پنجم، هزارهٔ هوشیدر آغاز شود».^۲

قیام پشیوتن، آخرین قیام نیکمردانه‌ای است که اندکی پیش از هزارهٔ هوشیدر رخ می‌دهد و هدف او بازسازی دین و برپاداشتن آیین‌های دینی و گسترش آموزش‌های آن است.

در جاماسبنامه می‌خوانیم: «... تا بعد از آن خدای تعالی رحمت کند و زمان دهد تا پشیوتن از کنگدر بیاید به یاری ایرانشهر و بدی و گمراهی از جهان

۲. بندهش، ص ۱۸۷.

۱. بندهش، ص ۱۸۱.

برخیزد و دین راستی روا شود و در مدت کم و بیش یک سال اوشیدر بامی
بیاید و دین روا بکند»^۱.

جهان در پایان هر یک از هزاره‌ها

نزد زردشتیان، جهان در پایان هر یک از هزاره‌ها، جهانی است آکنده از
همه تباهی‌ها و پریشانی‌ها، جهان خرابی که در آن، همه کس و همه چیز راه
نابود را می‌پیماید...

الف - در زمینه‌های فردی و اجتماعی

در زراتشت نامه می‌خوانیم:

ز مردم در آن روزگاران بد ز صد یک نبینی که دارد خرد
نبینی در آن قوم رأی و مراد نباشد به گفتارشان اعتماد^۲

و نیز آمده است: «... و چشم از ایشان از خواسته پر نشود و خواسته جهان
گرد کنند و زیرزمین نهان کنند»^۳.

ب - در زمینه‌های تاریخی و اسطوره‌ای

وقایع تاریخی در پایان هزاره‌ها نیز مانند دیگر جنبه‌ها، روی هم رفته
جامعه فاسدی را نشان می‌دهد که روزنه‌های امید در آن از همه سو بسته است
و افق زندگی تیره و تاریک و همه کوشش‌ها و تلاش‌ها بی‌نتیجه به نظر می‌رسد.
اشاره متون گاه آشکارا به وقایع مشخص تاریخی است همچون تسلط ترک
و روم و عرب.

۱. جاماسب نامه فارسی، ص ۸۸ - ۸۹ ۲. زراتشت نامه، ۸۸ و ۹۱، بیت ۱۴۰۰ و ۱۳۵۲.

۳. زندبهن یسن، ف ۴، بند ۶۲.

در زراتشت نامه می خوانیم:

همیدون بیایند قوم عرب
برانگیخته شرّ و شور و شغب
تلی کشته گردد زهر دو گروه
زکشته به هر مرز بر، کوه کوه^۱
و نیز می خوانیم: «چون هزاره تو به سر رسد (= به پایان رسد) ای سپیتمان
زردشت! همه سرزمین های ایران به سمّ اسب ایشان کنده شود، و درفش
ایشان به پدشخوارگر رسد».^۲

ج- واژگونی اصول

در جامعه مورد بحث، نه تنها شیرازه امور فردی و اجتماعی گسیخته است،
بلکه پدیده های مختلف نیز واژگونه شده و جریان طبیعی خود را از دست
می دهد.

در زندبهن یسن می خوانیم: «و ابرکامکار و باد پرهیزکار به هنگام و زمان
خویش باران کردن نشاید».^۳
و نیز آمده است:

برآید بسی ابر بر آسمان
که باران نیارد به هنگام آن^۴
و نیز می خوانیم: «و هوا آشفته (شود) و سرد باد و گرم باد وزد».^۵
و نیز می خوانیم: «و تخم میوه ندهد، و میوه دانه به ده (دانه) هشت (دانه)
بکاهد و دو بیفزاید و آن که بیفزاید سفید نباشد. و گیاهان و دارو درخت بکاهد

۱. زراتشت نامه، ص ۹۵، بیت ۵۹ - ۱۴۵۸.

۲. زندبهن یسن، ف ۵، ب ۸

۳. همان، ف ۴، ب ۴۲.

۴. زراتشت نامه، ص ۹۰، بیت ۱۳۸۳.

۵. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۵.

چون یکی یکصد بستاند نود بکاهد و ده بیفزاید و آن را که بیفزاید شادابی و مزه نباشد».^۱

موازین اخلاقی نیز وارونه شده است. در جاماسب نامه می‌خوانیم: «پس مردمانی که در آن هنگام (پایان هزاره) باشند همه به مهر دروجی (=پیمان شکنی) ایستند».^۲

د - وضع خانواده‌ها

خانواده و نظام‌ها و ضوابط حاکم بر آن نیز دگرگون است و هماهنگی لازم را ندارد. در زند بهمن یسن می‌خوانیم: «مهر پدر از (دل) پسر (و) برادر از (دل) برادر برود».^۳

و نیز آمده است: «و زن شوی خویش را به مرگ ارزان (اعدام) بدهد».^۴
و نیز می‌خوانیم: «و پسر و پدر و مادر رازند و ایشان را اندر زندگی از کد خدایی جدا کند».^۵

ه - آفات

مهمترین و اساسی‌ترین وقایعی که رخ می‌دهد وقایع آسمانی و زمینی گوناگونی است که زندگی آدمیان و همه موجودات زمینی را دست‌خوش دگرگونی و نابودی می‌سازد. در جاماسب نامه آمده است: «و زمین لرزه بسیار بود و بسیار ویرانی بکند».^۶

۱. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۱۸.
۲. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۱.
۳. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۱۵.
۴. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۴.
۵. زندبهمن یسن، ف ۴، ب ۱۵.
۶. جاماسب نامه، ف ۱، ب ۵.

و نیز آمده است: «و باران بی هنگام بارد و آنچه بارد بی سود و بد باشد».^۱
و نیز می‌خوانیم: «و باران به هنگام خویش نیاید و آنچه (بارد) خرفستر
و حشرات آورد».^۲

و- تحریف و تغییر در دین

اساسی‌ترین تغییرات و دردآورترین آن‌ها ناهماهنگی و هرج و مرجی است
که در امور دینی، روحانیان و تشکیلات دین حاصل می‌شود، آن‌گاه که از
مذهب تنها نامی باقی ماند و معنویت و صفایی که باید بر آن حکمفرما باشد، از
میان برود.

در زندبهن یسن آمده است: «آنان که به هیربدی و هاوشتی نامورند به
یکدیگر خواهند و آهو (=عیب) (یکدیگر) گویند، و عیب بنگرند. ایشان را
اهریمن و دیوان دشمنی بیشتر برده‌اند و از گناه که مردمان کنند از پنج گناه سه
گناه هیربدان (و) هاوشتان کنند... و یزشی (=عبادت) که پذیرند نکنند و بیم از
دوزخ ندارند».^۳

۲. جاماسب نامه فارسی، ص ۸۵

۱. همان.

۳. زندبهن یسن، ف ۴، ب ۳۹ - ۴۱.

منجی در آیین یهود

پیروان ادیان سه گانه آسمانی (یهودیان، مسیحیان و مسلمانان) بر این باورند که آینده‌ی نهایی مسیر زندگی انسان خاکی، پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق و علم و عدالت اجتماعی و عبادت خدای متعال، وراثت زمین به صالحان، پایان خرافات و گمراهی و ستم و تمامی گونه‌های انحراف است. و نیز اتفاق دارند شخصی که خداوند عهد و پیمان‌ش را به دست او تحقق می‌بخشد از فرزندان ابراهیم است، و شریعتی که بدان حکومت می‌کند آیین موسی نیست، بلکه دین پیامبری است که خداوند در آخرالزمان وی را مبعوث کند و امی‌ها یعنی اهالی مکه (امّ القری) منتظر اویند.

در قرآن کریم آمده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ «و ما بعد از تورات، در زبور داود نوشتیم (و در کتب انبیای پیشین وعده دادیم) که بندگان نیکوکار من، ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد».

اینک به بررسی این موضوع در «عهد قدیم» و کتب یهودیان می‌پردازیم.

نجات پرهیزکاران در پایان تاریخ

در مزمور ۳۷ از کتاب مقدس یهودیان خطاب به حضرت داوود چنین آمده است: «کار اشرار تو را نگران نکند و بر گناه‌کاران حسرت مبر؛ زیرا مانند گیاه زود پژمرده می‌شوند و مثل علف سبز، سریع خشک می‌شوند. بر پروردگار توکل کن و کار خیر انجام بده. و با خیال آسوده در زمین سکنی گزین و امانت

دار باش. به پروردگار امیدوار باش تا آرزوی قلبی‌ات را برآورد. راحت را برای پروردگار خالص‌ساز و بر او توکل کن تا کارت را بر عهده گیرد و بی گناهی‌ات را مانند نور، آشکار کند و مثل خورشید تابان، حقت را ظاهر سازد، و در پیشگاه پروردگار، آرام گیر و با شکیبایی در انتظار (فرمان) وی باش و به آن که به کمک نیرنگ، در تلاشش موفق می‌شود حسرت مبر. خود را از غضب نگه دار و خشم را ترک کن، و برای انجام شر، متهور مباش، زیرا اشرار در می‌مانند، اما منتظران (فرمان) پروردگار، وارثان خیرات زمین اند. به زودی شخص شریر نابود می‌شود و اگر در پی وی باشی او را نخواهی یافت. اما نیکوکاران، خیرات زمین را به ارث می‌برند و به فیض صلح و سلامت می‌رسند... خیر کمی که راستگو داراست، بهتر از ثروت بسیار اشرار است؛ زیرا دستان اشرار به زودی می‌شکند. اما پروردگار نیکوکارانی را پشتیبانی خواهد کرد. پروردگار به روزگار افراد با کمال، آگاه است و تا ابد میراثشان پاینده خواهد بود... از شر، دور باش و خوبی کن که تا ابد آرام باشی؛ زیرا پروردگار، عدالت را دوست دارد و از پارسایان حمایت و تا ابد آنان را حفظ می‌کند، اما ذریه اشرار نابود می‌شوند. درستکاران خیرات زمین را به ارث می‌برند و تا ابد در آن می‌مانند... کمال را در نظر بگیر و مستقیم بنگر، که پایان چنین انسانی سلامت است. اما همگی عصیان‌گران هلاک می‌شوند و نهایت اشرار فنا است. لیکن رهایی و رستگاری نیکوکاران از جانب خداست و او به هنگام تنگی دژ و امان آنان است. به حق، پروردگار کمکشان می‌کند و از اشرار نجاتشان می‌دهد و رهایی می‌بخشد؛ زیرا تحت حمایت پروردگارند»^۱.

خصوصیات موعود

در سفر تکوین از جمله وعده‌های خداوند متعال به اسماعیل ع آمده است: «ای اسماعیل! سخت را درباره‌ی وی (رهبر موعود) شنیدم. منم که مبارکش می‌گردانم و رشدش می‌دهم و توانش را بسیار بسیار می‌کنم و دوازده رهبر می‌زاید و امت عظیمی قرارش می‌دهم».^۱

در سفر اشعیا آمده است: «از تنه‌ی (یسی) شکوفه می‌روید و از ریشه‌اش شاخه سبز می‌شود. روح پروردگار روح حکمت و هوشمندی، روح مشورت و توان، روح معرفت و ترس از پروردگار، بر (یسی) مستقر می‌شود و شادی‌اش در تقوای پروردگار خواهد بود. به آنچه چشمانش می‌بیند قضاوت نخواهد کرد، و به آنچه گوش‌هایش می‌شنود حکم نخواهد نمود. برای مسکینان به عدل قضاوت می‌کند و برای بینوایان زمین، به انصاف حکم می‌نماید. با دهان و زبانش زمین را مجازات خواهد کرد و بر نفسی که از میان لبانش بیرون می‌شود منافق را می‌میراند. او لباس نیکی می‌پوشد و کمر بند امانت داری می‌بندد. در نتیجه گرسنگی با میش خواهد زیست و پلنگ در کنار بره خواهد نشست و گوساله و شیردرنده همدم خواهند شد، و همه حیوانات با هم چرا خواهند کرد. و بچه‌ی خردسالی، همگی را خواهد راند. و گاو و خرس با هم به مرتع خواهند رفت، و کره‌هایشان کنار هم خواهند بود. شیردرنده مثل گاو علف خواهد خورد، و کودک شیرخواره در امنیت، کنار لانه‌ی مار، بازی خواهد کرد و بچه‌ی خردسال دستش را داخل لانه‌ی افعی می‌کند و به او آسیبی نمی‌رسد. در

۱. سفر تکوین (پیدایش) آیه ۲۰، اصحاح (سوره) ۱۷.

هر کوه قدسی آدمیان اذیت نمی‌شوند، و بدی نخواهند کرد؛ زیرا زمین از معرفت پروردگار پر خواهد شد، چنان که دریا از آب پر است. در آن روز اصل و نسب (یسی) پرچمدار (هدایت) امت خواهد بود، و همگی مردم زیر پرچم او خواهند آمد و به او نظر خواهند داشت، و جایگاه (یسی) رفیع خواهد شد.^۱

اتفاق یهود و نصارا

به رغم دشمنی تاریخی شدید میان یهود و مسیحیان، و به پندار کشتن عیسی بن مریم به دست یهود، پیروان هر دو دین در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی به وحدت نظر در ظهور مسیح و پشتیبانی از برنامه‌ای سیاسی رسیدند که همان برپایی دولت اسرائیل بود، از این رو که به پندارشان مقدمه ظهور مسیح به شمار می‌آید. لذا صدها کلیسا و گروه مسیحی آمریکایی و اروپایی برای پشتیبانی از دولت اسرائیل بسیج شدند. در سال ۱۹۸۰ سازمانی به نام «سفارت بین المللی مسیحیان» در قدس اشغالی تشکیل شد که اهداف مؤسسان آن به اختصار چنین بود:

«ما بیش از اسرائیلی‌ها، صهیونیست هستیم و قدس تنها شهری است که مورد عنایت خدا است و خداوند تا ابد این سرزمین را به اسرائیل داده است». اعضای این سفارت معتقدند که اگر اسرائیل نباشد مکانی برای بازگشت مسیح نخواهد بود.

بلافاصله پس از راه اندازی سفارت، جشن بین المللی سالیانه یهودی -

۱. بیفر اشعیا، ص ۱۱۱.

مسیحی با نام «عید عریش» برگزار شد و بیش از هزار روحانی مسیحی در آن شرکت کردند. و در سال ۱۹۸۲، سه هزار رهبر مذهبی مسیحی در آن حضور داشتند.

«سفارت بین المللی مسیحیان» یکی از سازمان‌های مهم بود که برای شنیدن کمیسیون‌های کنگره آمریکا به هنگام طرح جریان نبرد اعراب با اسرائیل به ویژه بر سر قدس دعوت می‌شدند.

در سال ۱۹۸۵، رهبری مسیحیان صهیونیست، کنفرانسی در «بال» سوئیس برگزار کرد و اعلام نمود: «ما گروه‌هایی از دولت‌های مختلف و نمایندگان کلیساها در اینجا گرد آمده در این سالن کوچک که در ۸۸ سال پیش دکتر «تئودر هرتزل» به همراه اولین شرکت کنندگان کنفرانس صهیونیستی در آن تجمع نمودند و سنگ بنای پیدایش دولت اسرائیل را نهادند، همگی برای نیایش و خشنودی پروردگار جمع شده‌ایم تا اشتیاق خود را به مردم و سرزمین و عقیده اسرائیل و همراهی خود را اعلام کنیم و بگوییم: دولت اسرائیل را تأیید می‌کنیم»^۱.

• در آمریکا کنیسه‌ای تأسیس شد که شمار پیروانش به شش میلیون نفر می‌رسد، و اعضای آن معتقد به بازگشت مسیح اند که از جمله شرایط آن برپایی دولت صهیونیستی و تجمع یهودیان دنیا در فلسطین برشمرده شده است. و از جمله پیروان آن کنیسه «جرج بوش» و «ریگان» رؤسای جمهور پیشین آمریکا هستند.

۱. مقاله «الصهیونیه فی امیرکا» حسن حداد، مجله شؤون فلسطینیه، شماره ۹۲-۹۳، ۱۰/۹/۱۹۹۰.

«هال لیندسی» در کتاب خود «سیاره فانی بزرگ زمین» مهم‌ترین شرط پایان تاریخ و بازگشت مسیح را بازگشت یهود به سرزمین اسرائیل پس از هزاران سال دانسته است...^۱

رسوخ عقیده نجات در یهودیت

ایمان و اعتقاد به ظهور مصلح جهانی نزد یهود ثابت بوده و در تورات و کتاب‌های معتبر آنان یافت می‌شود. بسیاری از نویسندگان معاصر، خصوصاً در جهان غرب به طور تفصیل درباره این اعتقاد نزد یهود سخن گفته و در این موضوع کتاب تألیف کرده‌اند، که از آن جمله می‌توان از «جورج رذر قورد» و سناتور آمریکایی «بول منزلی» و نویسنده غربی «گریس هالسل» و دیگران نام برد. لذا هرکس که به بررسی و تحقیق در آیین یهود بپردازد پی به رسوخ این عقیده در آن می‌برد، و با بررسی و پیگیری مسایل سیاسی پی می‌برد که در نتیجه این اعتقاد است که در قرون اخیر به هدف آماده شدن برای ظهور منجی جهانی که به آن ایمان دارند دست به تحرکات وسیعی در سطح بین‌المللی زده‌اند. این تحرکات مقدماتی از سال (۱۹۱۴) میلادی یعنی سال شروع جنگ جهانی اول شروع شد که در پی آن یهودیان پراکنده در عالم را به فلسطین بازگشت داده و دولتی یهودی را در آن سرزمین تشکیل دادند، دولتی که تشکیل آن به عنوان زمینه سازی ظهور منجی موعود نزد آنان بود. آنان معتقدند که بازگشتشان به فلسطین، شروع و سرمنشأ معرکه‌ای است که به

۱. الصهيونیه فی امریکا، ش ۹۲ - ۹۳.

انتهای شرّ در جهان منجر خواهد شد و در آن هنگام ملکوت در روی زمین شروع شده و زمین فردوس برین خواهد شد.^۱

مهدی موعود علیه السلام در مزمور داوود

با مراجعه به مزمور ۷۲ از مزامیر داوود پی به اشارات جالب به ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخرالزمان به جهت ایجاد صلح و صفا در جهان می‌بریم. اینک به برخی از عبارات آن اشاره می‌کنیم.

«بارخدایا! به پادشاه، سلطنت خود را و به فرزند پادشاه عدالت خود را ببخش، تا با نیکی در میان مردم قضاوت کرده و در بین پایین‌دستان انصاف به خرج دهد. تا این‌که کوه‌ها برای مردم حامل سلامت و تل‌ها حامل نیکی باشند. به پایین‌دستان مردم انصاف داده و مسکینان را خلاصی بخشد و ظالمان را دور نماید. او در زیر نور خورشید و ماه از گروهی به گروهی دیگر باقی می‌ماند... نیکی در روزگار او زیاد و صلح تا زمان زوال ماه عمومی می‌شود. و از دریا تا دریا را مالک و تا دورترین زمین را مالک می‌گردد... تمام پادشاهان بر او سجده کرده و تمام امت‌ها خادم او می‌گردند؛ زیرا اوست که مسکین پناهنده و گرفتار بی‌یاور را نجات می‌دهد. او را بر دل شکسته و مسکین عطوفت کرده و نفوس مساکین را خلاصی می‌بخشد.^۲

یهود و نصارا در تعیین این دو شخص یعنی «ملک و فرزندش» اختلاف کرده‌اند. یهود می‌گویند: مقصود از «ملک» در این مزمور خود حضرت داوود

۱. روزنامه العهد، لبنانی، شماره ۶۸۵.

۲. کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر داود، مزمور ۷۲، ص ۱۲۱۰ - ۱۲۱۲، رقم ۱ - ۱۷.

و مراد به «فرزند ملک» سلیمان فرزند داوود است. ولی نصارا می‌گویند: مقصود به «مَلِک» عیسی مسیح است.

در جواب تفسیر یهود می‌گوییم: اولاً: از آنجا که حضرت داوود علیه السلام در مقام خضوع و خشوع و تضرع و مناجات با خدا است معنا ندارد که از خودش تعبیر به «مَلِک» کند.

ثانیاً: آنچه که در این مزمور آمده که تمام پادشاهان بر او سجده کرده و همه امت‌ها او را خدمت خواهند کرد، بر حضرت داوود منطبق نمی‌شود؛ زیرا آن حضرت تنها سلطه‌اش بر محدوده فلسطین بوده است.

و در پاسخ تفسیر و توجیه مسیحیان می‌گوییم: اولاً: حضرت عیسی علیه السلام دارای پادشاهی و سلطنت نبود تا از خود «مَلِک» تعبیر کند و حتی یک روز هم حکومت و سلطنت نکرد، بلکه یهود بر او مسلط شده و او را گرفته و اهانت کردند.

ثانیاً: حضرت مسیح علیه السلام ازدواج نکرد و در نتیجه از خود فرزندی به جای نگذاشت تا این‌که از خداوند بخواهد که «عدالتش را به فرزندش مَلِک عطا کند».

ثالثاً: بیشتر صفاتی که در این مزمور آمده قابل انطباق بر حضرت مسیح علیه السلام نیست. و لذا در پایان می‌توان نتیجه گرفت که مقصود به «مَلِک» در این مزمور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مراد به «فرزند مَلِک» حضرت مهدی علیه السلام است.

انتظار مسیحیا در آیین یهود

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان در تاریخ پرفراز و نشیب یهودیت موج می‌زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری

و شکنجه را به این امید بر خود هموار کردند که روزی «مسیحا» بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رها کند، فرمانروای جهان گرداند. در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست برپا خواسته و با اشغال فلسطین در صدد برآمده‌اند تا حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است.

درست است که اقلیتی ناچیز از یهود بر اثر دل‌بستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده‌اند، ولی غالب یهودیان آن را از جان و دل پذیرفته و آن را راهگشای عصر مسیحا دانسته‌اند. هم اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحایی مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایّار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می‌کنند: «اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد».

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گردآوردن برخی از افراد ساده لوح بر مشکلات آنان افزودند. در این میان حضرت عیسی علیه السلام ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی دین بسیار بزرگی را بنیان نهاد، و گروه بی شماری را به حق و حقیقت رهنمون ساخت. مسیحیت بر اساس اندیشه انتظار پدید آمد.

سرانجام در اواخر قرن ۱۹، یهودیان اروپا و روسیه با نادیده گرفتن سنت انتظار، برای کسب استقلال و عزت برخاستند و صهیونیسم را بنیاد نهادند و به

دنبال آن مهاجرت یهودیان به فلسطین آغاز شد و مسلمانان هنگامی از عمق فاجعه آگاهی یافتند که راه چاره بسته شده بود.

آرمان قیام منجی

بسیار طبیعی است که قوم بنی اسرائیل با گذشته تیره و تار خود در انتظار آینده‌ای بهتر باشد و پایان رنج‌های خود را در آن بجوید. به همین علت هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به عنوان یک منجی میان ایشان برخاست، آنان در پذیرفتن او درنگ نکردند. این آرمان که در دوران ابتلا پا گرفت، با گذشت زمان در ژرفای جان قوم رشد و نمو یافت و متناسب با محیط و شرایط داخلی به اشکال گوناگونی درآمد ولی به طور کامل هرگز از آنان جدا نشد...

تنها با انتخاب داوود به پادشاهی بود که آرزوی قوم برای قیام یک منجی کاملاً برآورده شد. داوود نمونه یک پادشاه یهودی و الگوی جاودانی، شخص مسیحا گردید، و در واقع برخی از انبیا و حکیمان او را مسیحا می‌دانستند.^۱

عصر داوود و سلیمان را می‌توان دوران شکوفا شدن آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست. آرمان یاد شده در آن زمان از گرایش مادی به رهایی از دشمنان ستمگر تحوّل یافت و به آرزو و امید برپایی یک حکومت ملی پا برجا و مبتنی بر اصول اخلاقی خالص و آرمان‌های والا مبدّل گردید.

امید مسیحایی با دو نیم شدن حکومت بنی اسرائیل پس از حضرت سلیمان و قیام‌داری انبیا که قیام خود را در این عصر آغاز کردند، جدی‌تر شد.

۱. هوشع ۳ / ۵، ایرمیا ۳۰ / ۹، حزقیال ۳۷ / ۲۴ - ۲۵.

انبیا نه تنها آتش شوق را در دل‌ها روشن نگه می‌داشتند، بلکه به توسعه دادن مفهوم مسیحا و دوران مسیحایی می‌پرداختند.

آنان معتقد بودند که شخص مسیحا که خدا به وسیله او جهان را مبارک می‌گرداند، در اذهان بیشتر انبیا حاضر بود.

نخستین نبی که پیشگویی‌های خود را نوشت عاموس بود. وی و نبی جوان و معاصرش «هوشع» از روز انتقام از سامره (پایتخت حکومت تجزیه شده اسرائیل) سخن گفته‌اند.^۱

پیشگویی هوشع که «در آن روز خدا کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهد شکست و ایشان را به امنیت خواهد خواباند»، به اتحاد مسالمت‌آمیز و تثبیت دوباره اسرائیل و یهودا در سرزمین خود اشاره می‌کند، و اشاره به اندیشه‌های فراملیتی که انبیای متأخر برای عصر مسیحایی تدارک دیده‌اند اشاره ای ندارد تا عصر اشعیای نبی که با یک جهان بینی فراگیر و گسترده همچون یک دولتمرد به حوادث تاریخ می‌نگریست.

اندیشه مسیحایی در پیشگویی اشعیا به طور وضوح آمده است. مسیحای آرامش آفرین و تسلی بخش قوم یهود در یکی از پیشگویی‌های او تصویر شده است. او حکومت آرمانی عادلانه‌ای را پی می‌افکند که در آن زمان «جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند». که آن پس از گسترش دین بنی اسرائیل در سراسر گیتی است همچون پرچم قوم‌ها برپا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید.^۲

۲. اشعیا ۱۱ / ۱۰.

۱. هوشع ۱ / ۱ و ۳ / ۵.

و نیز می‌خوانیم: «و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قلّه کوه‌ها ثابت خواهد شد و فوق تلّ‌ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امّت‌ها به سوی آن روان خواهند شد...»^۱

برخی از پیشگویی‌های صَفَنیا حتی از پیشگویی‌های اشعیا جهان شمول ترند. از دید او عصر مسیحایی زمان اصلاح کلی جهان است: «زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امّت‌ها خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت کنند».^۲

تب و تاب انتظارِ دخالتِ اعجاز‌آمیز خداوند در دوران سیطره‌ والیان رومی بر فلسطین به اوج خود رسید. و به همین دلیل هنگامی که یحیای تعمید دهنده ندا داد: «توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان نزدیک است»^۳ توده‌های مردم پیام او را با جان و دل شنیدند. کلمات هیجان آور او دل‌های شنوندگان را تکان می‌داد و الهام بخش گروه‌های ستم‌دیده و بینوایی بود که همواره آتش شوق انتظار برای قیام «مسح شده» خدا در قلوبشان زبانه می‌کشید.

تصور تلمود پیرامون شخص مسیحا روی هم رفته به قرار زیر است: «یک انسان که نهالی از خاندان سلطنتی داوود است و قداست او تنها به سبب موهبت‌های طبیعی وی خواهد بود، امّت‌های مشرک به دست او نابود خواهند شد و بنی اسرائیل قوّت خواهد گرفت».^۴

۱. همان. ۲ / ۲ - ۴.

۲. صفنیا ۳ / ۹.

۳. متی ۳ / ۲.

۴. انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵، از جالیوس.

اعتقاد به منجی در آیین مسیحیت

با مراجعه به کتاب‌های مقدس مسیحیان نیز پی می‌بریم که نه تنها در آن‌ها سخن از ظهور منجی در آخرالزمان به میان آمده، بلکه دربارهٔ خصوصیات و جزئیات آن نیز مطالبی بیان شده است، که با تأملی در آن‌ها می‌توان در بسیاری از موارد با آنچه در کتاب‌های مسلمانان در این باره آمده مطابقت کرده و به وحدت نظر رسید. اینک به بخش‌هایی از عهد جدید و کتاب‌های مقدس مسیحیان که به این موضوع پرداخته شده اشاره می‌کنیم.

بشارت حضرت مسیح علیه السلام

حضرت مسیح علیه السلام به جهت بشارت دادن مبعوث شد، و کلمه «انجیل» برگرفته از لفظ یونانی «اونجلیون» است که به معنای خبر خوش و بشارت به خلاصی است. اعلان این بشارت به مردم از مهمترین وظیفهٔ حضرت مسیح بوده است. و مفاد این بشارت همان ملکوت و سلطنت خدایی است. و لذا مواعظ و خطبه‌های حضرت بر این معنا تأکید داشته است. مرقس در انجیل خود می‌گوید: «و بعد از زندانی شدن یوحنا، یسوع (مسیح) به نزد جلیل آمد و اعلان بشارت می‌کرد و می‌گفت: وقتش نزدیک شده و ملکوت خدا نزدیک شده است پس توبه کنید و به بشارت ایمان آورید».^۱

و نیز فرمود: «بر من واجب است که سایر شهرها را نیز بشارت به ملکوت خدا دهم؛ زیرا من برای این کار فرستاده شده‌ام».^۲

۱. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس، اصحاح ۱، ص ۱۲۸، رقم ۱۴ - ۱۵.

۲. همان، صحاح ۴، ص ۲۰۵، رقم ۴۳.

و نیز به حواریون فرمود: «به همهٔ عالم سفر کنید و به تمام مردم خبر بشارت را برسانید».^۱

مٹی می‌گوید: «او در تمام جلیل سیر می‌کرد و در بین مجامع آنها وارد شده و تعلیمشان می‌داد و اعلان به بشارت ملکوت می‌کرد».^۲

لوقا در انجیل خود می‌گوید: «دوازده خواری را دعوت کرد... آن‌گاه همه را به جهت اعلان ملکوت خداوند فرستاد».^۳

منجی موعود در عهد جدید

در رؤیای یوحنا لاهوتی اشاره به موعود منجی شده است آنجا که از قول حضرت مسیح علیه السلام می‌فرماید: «و شخص غالب آن کسی است که تا به آخر بر اعمال و رفتار من حفاظت خواهد کرد پس زود است که او را سلطان بر تمام امت‌ها قرار دهم. او همهٔ امت‌ها را با عصایی از آهن مراعات خواهد کرد...»^۴

به طور حتم کسی که سلطنت بر تمام امت‌ها را در آینده دارد حضرت مسیح نخواهد بود؛ زیرا در همان انجیل از قول حضرت مسیح علیه السلام آمده است: «من مجد خود را طلب نمی‌کنم، بلکه در آنجا کسی است که آن را طلب کرده و حکم می‌کند».^۵

۱. همان، ۱۶ / ۱۷۸ / ۱۵.

۲. انجیل مٹی، ۴ / ۴۵ / ۲۳.

۳. انجیل لوقا، ۹ / ۲۲۱ / ۱ و ۲.

۴. کتاب مقدس، عهد جدید، رؤیا یوحنا لاهوتی، اصحاح ۲، ص ۸۰۴ - ۸۰۵، رقم ۲۶ - ۲۹.

۵. همان، ۸ / ۳۱۷ / ۵۰.

اشاره به مادر حضرت مهدی علیه السلام

و نیز در رؤیای یوحنا لاهوتی به مادر موعود جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده و می‌گوید: «آن‌گاه نشانه‌ای بزرگ در آسمان پدید آمد، زنی پیچیده شده به خورشید و ماه در زیر پاهایش و بر روی سرش تاجی است با دوازده ستاره درخشان. زن حاملی که از درد زایمان فریاد می‌زند... او فرزندی پسر به دنیا آورد و اوست کسی که در آینده تمام امت‌ها را با عصایی از آهن رهبری کند...»^۱

مفسران انجیل می‌گویند: کسی را که حضرت مسیح در این آیه به آن بشارت داده هنوز متولد نشده است و تا وقتی که متولد شود برای آن تفسیر واضحی نمی‌شناسیم. ولی مطابق دیدگاه شیعه دوازده امامی تفسیر این کلمات بسیار واضح و روشن است؛ زیرا حضرت مسیح در این کلمات به ولادت حضرت مهدی علیه السلام از حضرت نرجس خاتون اشاره کرده است. و مقصود او از این‌که آن زن پیچیده شده به خورشید، آن است که رحم او منور به نور امامت است که از جانب امام حسن عسکری علیه السلام به رحمش القا شده است. و مراد از ماهی که در زیر پای او قرار دارد حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام است که هنگام زاییدن در پایین پای نرجس خاتون قرار داشت. و مقصود از تاج، شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مراد به دوازده ستاره درخشان، ذوات مقدسه دوازده امام معصوم از ذریه اوست.

در این رؤیا خصوصیات بسیار دیگری ذکر شده که همگی قابل انطباق بر

۱. کتاب مقدس، عهد جدید، رؤیا یوحنا لاهوتی، اصحاح ۱۲، ص ۸۱۵-۸۱۷، رقم ۱-۱۷.

عصر امام عسکری علیه السلام و خصوصیات خلیفه عباسی و موقعیت حضرت مهدی علیه السلام است. و لذا کسی که طالب تحقیق بیشتر است به آن رؤیای یوحنا لاهوتی مراجعه کند.

ملکوت خدا در عهد جدید

اصطلاح ملکوت خدا در عهد جدید زیاد بکار رفته است. ۱۴ بار در انجیل مرقس و ۳۹ بار در انجیل لوقا و ۳۲ بار در انجیل متی. و در برخی از موارد به صیغه «ملکوت آسمانها» آمده است؛ زیرا عادت یهود آن بود که اسم خداوند را به جهت احترام و خشیت بر زبان نمی آوردند. ملکوت و سلطنت خداوند همان بشارتی است که حضرت مسیح علیه السلام به جهت ابلاغ آن به قومش و به تمام عالم مبعوث شده است. حال مقصود از این کلمه چیست و چه اهمیت ویژه‌ای دارد که حضرت مسیح علیه السلام بر آن مبعوث شده است؟

با ملاحظه نصوص دیگر اناجیل پی می‌بریم که مقصود از ملکوت الهی همان حکومت و خلافت و دولت و سلطنت خداوند در روی زمین است. در انجیل لوقا آمده است: «حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: هرگاه نماز گزاردید بگویید: ای پدر ما که در آسمانها هستی باید نام تو تقدیس شود، باید ملکوت تو بیاید، باید مشیت تو وجود پیدا کند، آنگونه که در آسمان است باید در زمین نیز باشد».^۱

و در انجیل متی آمده است: «باید ملکوت تو بیاید، باید آنچه که در زمین می‌خواهی همانند آنچه که در آسمان است تحقق یابد».^۲

۲. انجیل متی. ۶ / ۵۲ / ۱۰.

۱. انجیل لوقا. ۱۱ / ۱۱۴ / ۲.

معنای این جملات آن است که باید حکومت و سلطنت خداوند عزوجل در روی زمین از جانب فردی از بشر تحقق پیدا کند همان‌گونه که در آسمان از ناحیه ملائکه تحقق پیدا می‌کند و آن عمل کردن به شریعت الهی و دستورات او از اوامر و نواهی است که به توسط انبیا برای بشر فرستاده شده است.

موضوع ملکوت خدا یا ملکوت سموات امری نیست که تنها حضرت مسیح صلی الله علیه و آله به آن بشارت داده باشد بلکه انبیای قبل از او نیز به آن خبر داده‌اند. از آن جمله متی در انجیل خود درباره حضرت یحیی علیه السلام چنین نقل می‌کند: «در آن روزها یوحنا معدن در بین مردم یهود ندا می‌دهد و می‌گوید: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان‌ها نزدیک است».^۱

موضوع ملکوت خدا یا آسمان‌ها مسأله‌ای نبوده که موقعیت مردم آن زمان کشش و تحمّل فهمیدن تفصیل آن را داشته باشند، و لذا به صورت مثال و رمزی و با تبیین خطوط کلی برای آنان عرضه شده است.

لذا مرقس می‌گوید: «چون که جمعیت پراکنده شد افرادی که به دور او با دوازده نفر بودند از مثل‌هایی که برای مردم می‌گفت سؤال کردند؟ حضرت به آنان فرمود: «به شما سرّ ملکوت خدا داده شده ولی سایر مردم هرچه به آنها القا می‌شود با مثل‌ها است».^۲

و در انجیل متی آمده است: «شاگردانش به نزد او آمده و گفتند: چرا با مردم به مثل سخن می‌گویی؟ آنها را جواب داد؛ زیرا شما هستید که مورد لطف خدا

۱. انجیل متی، ۳ / ۴۱ / ۱ و ۲.

۲. انجیل مرقس، اصحاح ۴، ص ۱۳۷، رقم ۱۰ - ۱۱.

قرار گرفته و می‌توانید اسرار ملکوت آسمان‌ها را بفهمید، ولی آنان به چنین مقامی نرسیده‌اند».^۱

این‌که حضرت مسیح علیه السلام بشارت خود را که همان نزدیک بودن پیاده شدن ملکوت خداوند است به طور رمزی بیان کرده نه به این معنا است که به وظیفه رسالت خود عمل نکرده یا در آن قصور و تقصیر داشته است، بلکه این گونه بیان کردن اهداف رسالت یک تاکتیک مرحله‌ای است که باید در دو سطح در میان جامعه مطرح شود؛ زیرا درک موضوعی که قرار است بعد از صدها سال بلکه شاید هزاران سال دیگر تحقق یابد برای عموم مردم دشوار به نظر می‌رسد، و لذا حضرت برای عموم مردم به صورت رمزی و مثال بیان کرده و برای خواص از افراد خود به صورت تفصیل توضیح داده است.

در انجیل یوحنا از قول حضرت مسیح علیه السلام آمده است: «همیشه نزد من امور بسیاری است که برای شما نقل می‌کنم ولی شما الآن طاقت حمل و کشش فهم آن را ندارید».^۲

هدف از ملکوت الهی در قرآن

با مراجعه به قرآن کریم پی می‌بریم که هدف از ایجاد خلق، عبادت و عبودیت مطلقه برای خداوند معرفی شده است.

خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۳؛

«من جنّ و انس را به جز برای عبادت خلق نکردم».

۱. انجیل متی، ۳ / ۷۳ / ۱۰ - ۱۱. ۲. انجیل یوحنا، ۱۶ / ۳۴۳ / ۱۲.

۳. ذاریات / ۵۶.

این عبادت و عبودیت تنها همان به زحمت انداختن نفس و جوارح در تکالیف معین و مخصوص نیست بلکه مقصود از آن تنفید اوامر الهی است که به جهت اصلاح انسان و جامعه تشریح شده است.

خداوند سبحان بشر را عبث و بیهوده خلق نکرده، بلکه به جهت رسیدن بشریت به کمال مطلوب و مطلق خود او را آفریده است. انبیای الهی از ابتدا به این هدف نهایی، مردم را تذکر داده و در راه پیاده شدن آن و تربیت مردم به جهت پیاده کردن آن سعی و کوشش بلیغ نموده‌اند، ولی این امر زمان می‌برد، این مردم هستند که باید به سطح فکری و فرهنگی خاصی برسند تا زمینه ساز حکومت عدل جهانی به رهبری فردی الهی باشند؛ زیرا خداوند نمی‌خواهد اهداف خود را با قهر و غلبه و جبر در بشر پیاده کند و در تمام موارد از جبر استفاده نماید، بلکه حکمت الهی در خلقت بشر و ترسیم اهداف او این گونه بوده که با اختیار او را به این اهداف برساند.

صعود مسیح ﷺ به آسمان

مسیحیان و مسلمانان در این جهت اتفاق نظر دارند که حضرت مسیح ﷺ به آسمان‌ها رفته و الآن زنده است، گرچه در خصوصیات آن با هم اختلاف نظر دارند. مسیحیان می‌گویند: حضرت مسیح ﷺ به دارآویخته شد و سه روز بعد از کشته شدن و دفن شدن از قبر بیرون آمد و به آسمان‌ها صعود کرد. ولی مطابق نظر مسلمانان که از ظاهر آیات قرآن برگرفته شده حضرت مسیح ﷺ به دار آویخته نشد و کشته نشد بلکه مستقیماً به آسمان‌ها رفت و کس دیگری به جای او به دار آویخته شد.

حضرت مسیح علیه السلام سی ساله بود که به نبوت مبعوث شد و سه سال هم مبعوث به رسالت بود و در سن سی و سه سالگی به سوی آسمان رفت. ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق غماری می گوید: «قول صحیحی که محدثان و مورخان همچون ابن جریر و ابن کثیر و دیگران بر آن اعتماد کرده اند این است که مسیح علیه السلام در حالی که سی ساله بود بر وی وحی شد و در روی زمین مکث کرد تا در سن سی و سه سالگی به آسمان رفت، و این قولی است که جمهور علما بر آن اعتماد کرده اند»^۱.

در مورد حکمت رفتن حضرت مسیح علیه السلام به آسمان در حالی که زنده است با وجودی که معجزه بوده و خرق نظام طبیعی است ممکن است این گونه توجیه کنیم:

اولاً: چون حضرت مسیح علیه السلام رهبر مسیحیان جهان به شمار می آید نزول و فرود آمدن او بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشریک مساعی با حضرت می تواند در جلب توجه مسیحیان که جمعیت بسیاری را تشکیل می دهند بسیار مؤثر باشد.

ثانیاً: در مورد این که چرا حضرت مسیح علیه السلام تاکنون زنده مانده شاید بدین جهت باشد که تحت تربیت خاص الهی قرار گرفته تا در عصر ظهور بتواند در برپایی حکومت عدل گستر جهانی حضرت مهدی علیه السلام سهم داشته باشد.

ثالثاً: این که حضرت مسیح علیه السلام به آسمان ها برده شد ممکن است بدین جهت باشد که آمدن پیامبری جدید و اولی العزم یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله

۱. اقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخرالزمان، ص ۹۰ - ۹۲.

متوقف بر رفتن پیامبر سابق و نسخ شریعت او است؛ زیرا دو حجت خدا در عرض هم در روی زمین امکان پذیر نیست، همان گونه که در علم کلام به آن اشاره شده و بر آن اقامه برهان شده است.

در انجیل یوحنا آمده است: «روزی از روزها عیسی به مردم فرمود: من با شما در وقت کمی هستم، سپس به سوی آن که مرا فرستاد باز می گردم زود است که شما مرا دنبال کرده و جست و جو کنید ولی مرا نخواهید یافت. و آنجایی که من هستم شما استطاعت و قدرت ندارید که بیایید».^۱

و نیز آمده است: «از من شنیدید که به شما چه می گویم من می روم و سپس به سوی شما باز می گردم و خوشحال خواهید شد؛ زیرا پدر از من بزرگ تر است. من به طور حتم از الآن به آن امر قبل از حدوثش خبر دادم تا وقتی که حادث شد به آن ایمان آورید. من سخن را بعد از آن طولانی نخواهم کرد، زیرا آقای این جهان خواهد آمد».^۲

و نیز آمده است: «بعد از مدت اندکی مرا نخواهید دید، آن گاه بعد از مدت اندکی مرا مشاهده خواهید کرد... شما نیز الآن محزون خواهید شد ولی من زود برخواهم گشت، و شما را می بینم که قلب هایتان شاد خواهد شد و کسی نمی تواند این شادی را از شما سلب کند... من از جانب پدر خارج شده و به این جهان آمدم، ولی الآن این جهان را رها می کنم و به سوی پدر می روم».^۳

۱. انجیل یوحنا، اصحاح ۷، ص ۳۱۲، رقم ۳۳ - ۳۴.

۲. انجیل یوحنا، اصحاح ۱۴، ص ۳۳۹، رقم ۲۸ - ۳۰.

۳. همان، اصحاح ۱۶، ص ۳۴۵، رقم ۱۶ - ۲۸.

قرآن کریم در چند موضع به این مطلب اشاره کرده است:

در سوره نساء آمده است: ﴿وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾^۱ «و (نیز) به خاطر کفرشان و تهمت بزرگی که بر مریم زدند. و گفتارشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم. در حالی که نه او را کشتند و نه بر دار آویختند، لکن امر بر آن‌ها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او را اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند. و قطعاً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد، و روز قیامت، بر آن‌ها گواه خواهد بود».

و نیز می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا...﴾^۲ «(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم زمانی که تو را به روح القدس تقویت کردم که در گاهواره و به هنگام بزرگی با مردم سخن می‌گفت...».

رابعاً: ممکن است که زنده بودن حضرت مسیح علیه السلام تا بدین مدت به جهت صحه گذاردن بر طول عمر حضرت مهدی علیه السلام باشد مطابق قاعده معروف:

۱. سوره نساء، آیات ۱۵۶ - ۱۵۹. ۲. سوره مائده، آیه ۱۱۰.

«بهترین دلیل بر امکان یک شیء وقوع آن است». همان گونه که در حکمت طول عمر حضرت خضر به همین نکته اشاره کرده است.

سید صیرفی در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: «وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عَمْرَهُ لِنَبْوَةِ قَدْرَهَا لَهُ وَلَا لِكِتَابِ يَنْزَلُهُ عَلَيْهِ وَلَا لِشَرِيعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَلَا لِأَمَّةٍ يَلْزَمُ عِبَادَهُ الْإِقْتِدَاءَ بِهَا، وَلَا لِطَاعَةِ يَفْرُضُهَا لَهُ، بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ يَقْدَرَ مِنْ عَمْرِ الْقَائِمِ علیه السلام فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يَقْدَرُ وَعِلْمُ مَا يَكُونُ مِنْ أَنْكَارِ عِبَادِهِ بِمَقْدَارِ ذَلِكَ الْعَمْرِ فِي الطَّوْلِ، طَوَّلَ عَمْرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجِبَ ذَلِكَ إِلَّا لَعَلَّةَ الْأَسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عَمْرِ الْقَائِمِ علیه السلام، وَلِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُعَانِدِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ»؛ «و اما عبد صالح یعنی خضر، پس خداوند تبارک و تعالی به جهت نبوتی که برای او تقدیر کرده باشد عمر او را طولانی نکرد، و برای کتابی که بر او نازل کند یا شریعتی که بدان، شریعت انبیای پیشین را نسخ کند یا امامتی که اقتدای به آن بر بندگانش لازم باشد، یا طاعتی که آن را برای او فرض نماید، عمر او را طولانی نکرد، بلکه همانا خداوند تبارک و تعالی چون در علم سابق خود طول عمر قائم علیه السلام - را در ایام غیبتش به آن اندازه که مقدر کرده تقدیر نموده بود و از طرفی می دانست بندگانش این مقدار از عمر طولانی را انکار می کنند لذا عمر عبد صالح را بدون جهت دیگر طولانی کرد تا دلیلی بر عمر قائم علیه السلام باشد، و نیز تا به واسطه آن حجت و استدلال معاندین قطع گردد تا برای مردم بر خداوند حجتی نباشد»^۱.

۱. اکمال الدین، ص ۳۵۷، ح ۵۰، غیبت طوسی، ص ۱۷۲، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲، ح ۹.

بازگشت حضرت مسیح علیه السلام

موضوع بازگشت حضرت مسیح علیه السلام از آسمان به زمین مسأله‌ای است که در عهد جدید و قرآن کریم و روایات فریقین شیعه و سنی به آن اشاره شده است.

الف - عهد جدید

در انجیل یوحنا آمده است که حضرت مسیح علیه السلام به شاگردانش فرمود: «از من شنیدید، به شما می‌گویم: من می‌روم و سپس به سوی شما باز می‌گردم...»^۱

و نیز در رؤیای یوحنا لاهوتی آمده است: «آگاه باش! او از میان ابرها خواهد آمد، زود است که هر چشمی او را ببیند، حتی کسانی که در او طعن زدند...»^۲

و نیز فرمود: «آگاه باشید من آن همان کسی هستم که با عجله خواهم آمد. خوشا به حال کسی که گفته‌های نبوی را در این کتاب حفظ می‌کند».^۳
و نیز فرمود: «آگاه باشید! من همان کسی هستم که با عجله می‌آید و همراه من جزایی است که با آن هرکس را به اندازه عملش خواهم داد».^۴

ب - قرآن کریم

با مراجعه به قرآن کریم پی خواهیم برد که در این کتاب مقدس نیز به این

۱. انجیل یوحنا، اصحاح ۱۴، ص ۳۳۹، رقم ۲۸ - ۳۰.

۲. رؤیای یوحنا لاهوتی، ۱ / ۸۰۱ / ۷. ۳. همان، ۲۲ / ۸۳۱ / ۷.

۴. همان، ۲۲ / ۸۳۱ / ۱۲.

موضوع در آیات متعددی اشاره شده است:

۱ - خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا﴾؛^۱ «و با

مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهدگفت...».

ابن جریر طبری به سندش از ابن زید در تفسیر این آیه نقل کرده که گفت:

«عیسی در گهواره با آنان سخن گفت، و زود است که با آن مردم هنگامی که

دجال کشته شود در حالی که پیر است سخن بگوید».^۲

۲ - و نیز می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ

وَ عَلَيَّ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا﴾؛^۳

«(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم فرمود: یاد کن نعمتی را

که به تو و مادرت بخشیدم زمانی که تو را به روح القدس تقویت کردم که در

گاهواره و به هنگام بزرگی با مردم سخن می‌گفت...».

سیوطی بعد از کلمه «وکهلاً» می‌گوید: از این آیه استفاده می‌شود که

حضرت مسیح عليه السلام قبل از قیامت نزول خواهدکرد.^۴

۳ - و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا﴾؛^۵ «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر

این که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح عليه السلام) ایمان می‌آورد، و روز قیامت بر

آنها گواه خواهد بود».

۲. جامع البیان، ج ۳، ص ۳۷۱.

۴. تفسیر جلالین، ص ۱۲۶.

۱. سوره آل عمران، آیه ۴۶.

۳. سوره مائده، آیه ۱۱۰.

۵. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

معنای آیه این است: هیچ یک از اهل کتاب نیست جز آنکه به عیسی ایمان خواهد آورد و این مسأله هنگام نزول آن حضرت در آخرالزمان است. ابی هریره از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «قسم به کسی که جانم به دست اوست نزدیک است که در بین شما فرزند مریم به عنوان حَکَمِ عدل فرود آید، آن گاه صلیب را می شکند و خوک را می کشد و وضع جزیه می کند و به حدی مال زیاد پخش می کند که هیچ کس آن را قبول نمی کند، تا این که یک سجده بهتر از دنیا و آنچه در آن است می باشد. سپس ابوهریره گفت: اگر خواستید بخوانید: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾.^۱

۴ - و نیز می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا﴾؛^۲ «واو (مسیح) سبب آگاهی در روز قیامت است، زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است) هرگز در آن تردید نکنید...».

ابن حبان در صحیح خود عنوانی را با این تعبیر آورده است: «ذکر البیان بان نزول عیسی من اعلام للساعة»، ذکر بیان این که نزول عیسی از نشانه های قیامت است. آن گاه به سند خود از ابن عباس نقل کرده که پیامبر ﷺ درباره آیه ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ فرمود: مقصود به آن نزول عیسی بن مریم قبل از روز قیامت است.^۳

ابوحیان می گوید: «ظاهر این است که ضمیر در ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ به

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۳.

۲. سوره زخرف، آیه ۶۱. ۳. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۲۸.

عیسی بازمی گردد؛ زیرا ظاهر در ضمائر سابق آن است که همگی به او باز می‌گردند»^۱.

ج - روایات

بخاری به سند خود از ابی هریره نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه است شما را هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آمده و حال آن که امام شما از بین شما است»^۲.

ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «از ماست کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز بجای می‌آورد»^۳.

عمران بن حصین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «همیشه طائفه‌ای از امت من بر حق بوده و بر دشمنان خود غالبند تا آنکه امر خداوند تبارک و تعالی فرا رسد و در آن هنگام است که عیسی بن مریم فرود آید»^۴.

شیخ صدوق ره به سندش از محمد بن مسلم ثقفی نقل کرده که گفت: از امام ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام شنیدم که فرمود: «القائم منا منصور بالرعب... وینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه»^۵ «قائم از ما به ترس یاری شده... و روح خدا عیسی بن مریم فرود می‌آید و در پشت سر او نماز می‌گزارد».

در روایات به محلّ فرود حضرت مسیح علیه السلام نیز اشاره شده است:

طبرانی به سندش از اوس بن اوس ثقفی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. البحرالمحیط، ج ۹، ص ۳۸۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

۳. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۶، ح ۳۸۶۷۳.

۴. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۲۹.

۵. کمال الدین، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

فرمود: «عیسی بن مریم کنار مناره سفید در شرق دمشق فرود خواهد آمد».^۱
 نووی در شرح صحیح مسلم می‌گوید: «و مناره الآن در شرق دمشق موجود
 است و این از فضائل دمشق به حساب می‌آید».^۲

منظور از «فرزند انسان» کیست؟

تعبیر به «فرزند انسان» بر زبان حضرت عیسی علیه السلام - بنابر نقل اناجیل -
 فراوان است. و در این‌که مقصود از آن کیست، آیا همان مسیح است یا شخص
 دیگری، در آن اختلاف است. قدمای مسیحیت معتقد بودند که مقصود از آن
 خود حضرت مسیح علیه السلام است. ولی به نظر می‌رسد که با ملاحظه موارد مختلف
 از این تعبیر در اناجیل، مقصود از «فرزند انسان» شخص دیگری باشد. همان
 شخصی که به دنبال مجد و عظمت مسیح علیه السلام است. لذا در انجیل یوحنا از
 حضرت عیسی نقل کرده که فرمود: «من به دنبال مجد و عظمت خود نیستم،
 بلکه در آنجا کسی است که عظمت مرا طلب کرده و حکم خواهد کرد».^۳
 از این عبارت استفاده می‌شود که فرزند انسان که در تعبیرات حضرت
 مسیح علیه السلام به آن اشاره شده و از او نیز تمجید شده است کسی غیر از حضرت
 مسیح علیه السلام است.

در انجیل متی آمده است: «و چون یسوع به نواحی قیصریه رسید از
 شاگردانش سؤال کرد: در گفتار مردم «فرزند انسان» چه کسی است؟ آنان

۱. المعجم الكبير، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۵۹، وج ۱۹، ص ۱۹۶.

۲. شرح صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۶۷. ۳. انجیل یوحنا، اصحاح ۸، ص ۳۱۷، رقم ۵۰.

گفتند: برخی می‌گویند: او یوحنا‌ی معدان است. و برخی دیگر او را همان ایلیا می‌دانند. و عده‌ای دیگر او را ارمیا یا یکی از انبیا می‌دانند. حضرت مسیح علیه السلام روبه شاگردان کرده و فرمود: من در نظر شما چه کسی هستم؟ پطرس جواب داد: تو مسیح پسر خدای حی می‌باشی. آن‌گاه حضرت فرمود: به حق بر شما می‌گویم: از میان حاضرین در اینجا کسانی هستند که طعم مرگ را نمی‌چشند تا فرزند انسان را مشاهده کنند که در ملکوتش می‌آید.^۱

از این عبارت استفاده می‌شود که «فرزند انسان» کسی غیر از مسیح است. و چون حضرت مسیح علیه السلام از ناحیه کاهنان یهود دستگیر شد و محکمه قضاوت برای او برپا گشت، بزرگ کاهنان از او سؤال کرد: «آیا تو مسیح پسر مبارک هستی؟ یسوع فرمود: من همانم، و در آینده «فرزند انسان» را خواهید دید که در طرف راست قدیر (خدای عزوجل) نشسته و در میان ابرها می‌آید.^۲ با این عبارات انسان اطمینان پیدا می‌کند که «فرزند انسان» شخصی غیر از مسیح علیه السلام است و او فردی غیر از امام مهدی علیه السلام نیست.

لذا در انجیل متی آمده است: «و همان‌گونه که برق از طرف آسمان مشرق خارج می‌شود و تا مغرب درخشندگی دارد، همچنین است آمدن فرزند انسان.»^۳

و نیز آمده است: «به همین جهت شما آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که توقع آن را ندارید «فرزند انسان» خواهد آمد.»^۴

۱. انجیل متی، اصحاح ۱۶، ص ۸۲-۸۴، رقم ۱۳-۲۸.

۲. انجیل مرقس، ۱۴ / ۱۷۳ / ۶۱-۶۲. ۳. انجیل متی، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۴، رقم ۲۷.

۴. همان اصحاح ۲۴، ص ۱۰۵، رقم ۴۴.

و در انجیل لوقا آمده است: «باید کمرهای شما محکم بسته شده، و چراغ‌های شما روشن باشد و شما همانند افرادی باشید که به انتظار بازگشت بزرگشان از عروسی است تا چون بیاید و درب را بکوبد همان لحظه درب را باز نمایید. خوشا به حال آن خدمت‌کارانی که هرگاه بزرگشان آمد آنان را بیدار ببینند... پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که توقع ندارید فرزند انسان می‌آید.»^۱

در روایات اسلامی نیز به این موضوع اشاره شده است.

شیخ صدوق رحمته الله به سندش از امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که به او عرض شد: ای رسول خدا! چه وقتی قائم از ذریه شما خروج خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «مثله مثل الساعة لا یجلّیها لوقتها إلا هو ثقلت فی السموات و الأرض لا یأتیکم الا بغتة»^۲؛ «مثل او همانند قیامت است به جز او وقتش را آشکار نمی‌کند. در آسمان‌ها و زمین سنگین است نمی‌آید شما را مگر ناگهانی».

ظهور منجی در آخرالزمان

از اناجیل استفاده می‌شود که وقت ظهور منجی و به تعبیر دیگر وقت حدوث ملکوت الهی و آسمانی در روی زمین آخرالزمان است، بعد از آنکه بشریت مهلت لازم را برای رشد و درک و تکامل به سر آورده است.

۱. انجیل لوقا، اصحاح ۱۲، ص ۲۳۸، رقم ۳۵ - ۴۰.

۲. کمال الدین، ص ۳۷۳، ح ۶.

حضرت مسیح علیه السلام دربارهٔ مقدمات قیام ملکوت الهی می‌فرماید: «و زود است که خبر جنگ‌ها و شایعه‌های آن را بشنوید، مبادا از آن‌ها فزع نمایید، زیرا چاره‌ای جز تحقق آن‌ها نیست، ولی در آن هنگام پایان تاریخ نیست».^۱
و نیز فرمود: «آن‌که تا نهایت و پایان تاریخ باقی می‌ماند او خلاصی دهنده است».^۲

این مطلب نیز مطابق آن چیزی است که در مصادر ما از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است که وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برپایی دولتش را در آخرالزمان معرفی کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی یخرج فی آخرالزمان»^۳؛ «مهدی در آخرالزمان خروج خواهدکرد».

جهانی بودن دولت منجی

از اناجیل استفاده می‌شود که دولت و حکومت منجی و موعود الهی، جهانی است و همهٔ امت‌ها را شامل می‌شود.

حضرت مسیح علیه السلام بعد از آنکه فتنه‌ها و بلاهایی که بشریت قبل از قیام ملکوت الهی به آن‌ها مبتلا می‌شود را ذکر می‌کند، آن‌گاه به جهانی بودن این بشارت اشاره کرده و می‌فرماید: «و واجب است که قبل از تحقق آن این بشارت به جمیع امت‌ها اعلان شود».^۴

۱. انجیل یوحنا، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۲، رقم ۶.

۲. انجیل متی، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۳، رقم ۱۳.

۳. غیبت طوسی، ص ۱۷۸.

۴. انجیل مرقس، اصحاح ۱۳، ص ۱۶۶، رقم ۱۰.

و نیز از او نقل شده که فرمود: «و در آینده دور، مردم از شرق و غرب و شمال و جنوب می آیند و بر سر سفره در ملکوت خدا می نشینند».^۱

و این، همان مطلبی است که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده است.

از امام باقر علیه السلام درباره توسعه حکومت حضرت مهدی علیه السلام چنین رسیده که فرمود: «... و يبلغ سلطانه المشرق والمغرب، و يظهر الله عزوجل به دینه و لو کره المشركون...»^۲ «و حکومت او مشرق و مغرب عالم را فرا خواهد گرفت، و خداوند عزوجل به توسط او دینش را ظاهر خواهد کرد گرچه مشرکان کراهت داشته باشند».

صدوق ره به سندش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «... و لأطهرن الأرض بآخرهم من اعدائى و لأمکنه مشارق الارض و مغاربها... حتى يعلن دعوتى و يجمع الخلق على توحيدى»^۳ «... و به طور حتم زمین را به توسط آخرین حجت، از دشمنانم پاک خواهد کرد، و به طور حتم مشرقها و مغربهای زمین را در اختیار او قرار خواهد داد... تا دعوت مرا علنی کرده و خلق را بر توحید من جمع نماید».

ابوداود به سندش از ابی هریره نقل کرده که پیامبر در حدیثی فرمود: «ويهلك الله في زمانه الملل كلها إلا الاسلام»^۴ «و خداوند در زمان او تمام ملت‌ها را به جز اسلام هلاک می‌کند».

۱. انجیل لوقا، اصحاح ۱۳، ص ۲۴۲، رقم ۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۳. اکمال الدین، ص ۲۵۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲، ح ۵.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۴۳۲۴، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۰۶.

اوصاف شرکت کنندگان در حکومت عدل جهانی

با مراجعه به انجیل پی می‌بریم افرادی که دارای صفات ویژه و خاصی هستند می‌توانند در ملکوت الهی و حکومت عدل توحیدی مشارکت داشته باشند. اینک به برخی از این صفات اشاره می‌کنیم:

۱ - اطاعت

در انجیل مرقس آمده است: «به حق بر شما می‌گویم: هرکس که ملکوت خدا را همانند طفل قبول نکند داخل در آن نمی‌شود».^۱

و در انجیل متی آمده است: «به حق به شما می‌گویم: اگر برنگردید و همانند اطفال نشوید داخل ملکوت آسمان‌ها نخواهید شد».^۲

می‌دانیم که طفل ضرب المثل در اطاعت و گوش فرا دادن است.

۲ - صدق در ایمان

حضرت مسیح به شاگردان خود می‌فرماید: «من به شما می‌گویم: اگر نیکی شما بر نیکی کاتبان و فریسیان زیاده نگردد داخل ملکوت آسمان‌ها نخواهید شد».^۳

کاتبان و فریسیان همان علمای یهود بودند که متصدی وضع دینی مردم در بنی اسرائیل آن زمان به شمار می‌آمدند و صفت ریا و دغلکاری بر آنان غلبه داشت و بدون این‌که از دین و شریعت اطلاعی داشته باشند به آن نسبت‌های بی ربط می‌دادند.

۳ - عمل به احکام

۱. انجیل مرقس، اصحاح ۱۰، ص ۱۵۷، رقم ۱۵.

۲. انجیل متی، اصحاح ۱۸، ص ۸۷، رقم ۳. ۳. انجیل متی، اصحاح ۵، ص ۴۸، رقم ۲۰.

حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: «هرکس که برای من می‌گوید: یا رب، یا رب، داخل ملکوت آسمان‌ها نخواهد شد، بلکه کسی در آن داخل می‌شود که به خواست پدرم که در آسمان‌ها است عمل می‌کند».^۱

۴ - استضعاف

حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: «خوشا به حال شما ای فقیران! زیرا بر شما است ملکوت خدا، خوشا به حال شما ای گرسنگان در این زمان که در آینده سیر خواهید شد، خوشا به حال شما ای گریه‌کنندگان که در آینده خندان خواهید بود».^۲

۵ - تقوا

حضرت مسیح علیه السلام به شاگردان خود فرمود: «و مثل ملکوت آسمان‌ها همانند شبکه و توری است که در دریا افکنده شده و از هر جنس در خود جای داده است. و چون پر می‌شود صیادان آن را به کنار شطّ آورده و از آب بیرون می‌آورند. آن‌گاه نشسته و خوب را در تشتی قرار داده و بد را رها می‌سازند. این چنین خواهد بود پایان جهان؛ زیرا ملائکه می‌آیند و بدان را از خوبان جدا می‌کنند و در تنور آتش می‌اندازند...».^۳

شبهه این اوصاف نیز در روایات اسلامی به آن اشاره شده است:

مجلسی ره به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ورجال کأن قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شكّ في ذات الله، اشدّ من الحجر، لو

۱. همان، اصحاح ۷، ص ۵۶، رقم ۲۱. ۲. انجیل لوقا، اصحاح ۶، ص ۲۰، رقم ۲۱.

۳. انجیل متی، اصحاح ۱۳ / ۷۵ و ۷۶ / ۴۷ / ۵۰.

حملوا علی الجبال لأزالوها... رجال لا ینامون اللیل، لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل، یتون قیاماً علی اطرافهم، ویصبحون علی خیولهم، رهبان باللیل، لیوث بالنهار، هم اطوع له من الأمة لسیدها کالمصایح، كأن قلوبهم القنادیل، وهم من خشية الله مشفقون. یدعون بالشهادة ویتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله...»^۱ «ومردانی که گویا قلب‌هایشان تگه‌های آهن است، هرگز شگی در ذات خدا در آنان وارد نمی‌شود. محکم‌تر از سنگ است. اگر بر کوه‌ها سوار شوند آن‌ها را از جامی‌کنند... مردانی که شب را نمی‌خوابند، برای آنان در نمازشان زمزمه‌هایی همانند زمزمه زنبور است. شب را در حال قیام به پهلوهای خود بیتوته می‌کنند و صبح هنگام بر اسبان خود سوارند. آنان راهبان در شب و شیران در روزند. آنان مطیع‌تر نسبت به مولای خود از کنیزان نسبت به مولایشان می‌باشند. همانند چراغ‌ها. گویا که قلب‌هایشان همانند قندیل است. و آنان از خوف خدا خاشع‌اند. از خدا تقاضای شهادت می‌کنند و آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند...».

حکومت عدل جهانی، آرزوی امت‌ها

ملکوت خداوند و حکومت الهی در روی زمین، و به تعبیری دیگر حکومت عدل جهانی توحیدی آرزوی هر انسان و مجتمع بشری است، ولذا انبیای الهی از آن جمله حضرت مسیح علیه السلام به آن اشاره کرده‌اند:

حضرت مسیح علیه السلام می‌فرماید: «مثل ملکوت آسمان‌ها همانند گنجی است

که در مزرعه‌ای مدفون شده و شخصی آن را می‌یابد، و سپس آن را دوباره مدفون می‌کند. آن‌گاه از شدت خوشحالی‌اش مدتی می‌گذرد، بعد تمام ملک خود را می‌فروشد و با آن آن مزرعه را می‌خرد...»^۱

و نیز از او نقل شده که فرمود: «مثل ملکوت آسمان‌ها همانند تاجری است که به دنبال لؤلؤ گران‌بها می‌گردد، چون لؤلؤی نفیس می‌یابد می‌رود و تمام اموال و املاک خود را می‌فروشد و آن را می‌خرد...»^۲

ایمان آوردن مسیح علیه السلام به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

از روایات اسلامی استفاده می‌شود که حضرت مسیح علیه السلام بعد از فرود آمدن از آسمان به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورده و مطابق دستورات او حکم خواهد نمود.

سمره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «عیسی بن مریم فرود خواهد آمد در حالی که تصدیق‌کننده محمد و بر ملت او خواهد بود...»^۳

خطابی در «معالم السنن» هنگام ذکر حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که عیسی خوک را می‌کشد می‌گوید: «این حدیث دلیل بر وجوب کشتن خوک‌ها است و نیز دلیل بر این است که عین خوک نجس است، و این که عیسی خوک را مطابق شریعت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله خواهد کشت؛ زیرا نزول او در آخرالزمان بوده

۱. انجیل متی، اصحاح ۱۳، ص ۷۵، رقم ۴۴.

۲. همان، اصحاح ۷۵، ص ۴۵، رقم ۴۶.

۳. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۳، المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۲۲۱.

و شریعت اسلامی باقی است».^۱

عبدالوهاب عبدالسلام می‌گوید: «عیسی از آسمان به امر خدا فرود می‌آید در حالی که اوصاف نبوت در او پدیدار است، جز آن‌که تابع شریعت محمد صلی الله علیه و آله و حاکمی از حاکمان این امت و تجدید کننده امر دین این امت خواهد بود؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله خاتم انبیا و شریعت او خاتم شرایع است. و خداوند سبحان عهد و میثاق را از تمام انبیا گرفته که از محمد صلی الله علیه و آله پیروی کرده و او را در صورتی که هنگام بعثت او زنده بودند یاری کنند...».^۲

رهبری حضرت مهدی علیه السلام و همکاری مسیح علیه السلام

گرچه تمام امت‌ها از جمله مسلمانان و مسیحیان معتقد به ظهور منجی جهانی در پایان تاریخ می‌باشند ولی در این‌که رهبری این قیام و نهضت جهانی از آن چه کسی است اختلاف دارند:

- ۱ - برخی معتقدند که مهدی و مسیح دو لقب برای یک شخص است. آنان می‌گویند: رهبر حکومت عدل جهانی توحیدی از آنجا که یک نفر است، لذا او کسی است که در اسلام او را مهدی نامیدند و یهود و نصارا او را مسیح می‌نامند و دیگران نیز هرکدام نامی را بر او گذاشته‌اند.
- ۲ - احتمال دیگر این‌که بگوییم منجی جهان همان مسیح عیسی فرزند مریم است که از او به مهدی نیز تعبیر شده است.
- ۳ - احتمال سوم آن است که بگوییم: منجی جهان کسی غیر از حضرت

۱. معالم السنن، ج ۴، ص ۳۲۱، ح ۱۷۰۳.

۲. المسیح المنتظر ونهایة العالم، عبدالوهاب عبدالسلام، ص ۲۴۰.

مهدی علیه السلام از ذریهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و حضرت عیسی با او در این امر مهم همکاری کرده و تشریک مساعی می‌کند.

نقد احتمال اول

این احتمال در ظاهر چندان صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد با مراجعه به اناجیل پی می‌بریم که شخصی به نام «فرزند انسان» تأسیس حکومت جهانی کرده و حضرت مسیح علیه السلام نیز در برپایی آن سهیم شده و دخالت خواهد نمود. یعنی در حقیقت دو شخصیت در این ماجرا دخالت دارند، ولی در طول یکدیگر، به این معنا که رهبری برای حضرت مهدی علیه السلام است و حضرت عیسی علیه السلام نیز در این زمینه او را مساعدت خواهد کرد.

نقد احتمال دوم

احتمال دوم این بود که معتقد شویم منجی جهانی عیسی بن مریم است و اگر در روایات اسلامی از او به مهدی تعبیر شده به عنوان لقب حضرت مسیح است.

برای این احتمال نیز مؤیداتی را ذکر کرده‌اند از قبیل:

۱ - لفظ مسیح که از القاب حضرت عیسی علیه السلام به شمار می‌آید به معنای نجات بخشی است.

۲ - در انجیل متی دربارهٔ حضرت مسیح علیه السلام آمده که او طول عمر داشته و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. و این چیزی است که با روایات اسلامی سازگاری دارد.

۳ - در برخی از روایات اسلامی تصریح شده که مهدی همان عیسی بن مریم است.

ولی این احتمال با هر سه مؤیداتش صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا:

اولاً: نامگذاری حضرت عیسی علیه السلام به «مسیح» دلالت بر استقلال او در امر حکومت عدل جهانی ندارد. لذا در لقب دادن حضرت عیسی علیه السلام به «مسیح» کافی است که از آن جهت باشد که او در این امر مهم مشارکت دارد.

ثانیاً: نام «مسیح» بر حضرت عیسی علیه السلام بعد از عروج او به آسمان‌ها از ناحیه صاحبان اناجیل گذاشته شد و قرآن نیز به جهت شهرت موجود در آن عصر از این لقب برای حضرت عیسی علیه السلام استفاده کرده است.

ثالثاً: این که عمر حضرت مسیح علیه السلام طولانی شده و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد دلالت بر استقلال او در تأسیس حکومت عدل جهانی توحیدی ندارد بلکه با تشریک مساعی او با حضرت مهدی علیه السلام سازگاری است.

رابعاً: در توضیح حدیث «لامهدی الا عیسی بن مریم» می‌گوییم: این حدیث را ابن ماجه به سندش از انس نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ولا مهدی الا عیسی بن مریم»؛^۱ «و مهدی جز عیسی بن مریم نیست».

در جواب از این حدیث می‌گوییم:

- ۱ - بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند مهدی را از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانند.
- ۲ - این حدیث مورد اعراض علمای حدیث و متکلمین بوده و هیچ کسی به آن استناد نکرده است.
- ۳ - خود ابن ماجه در سنن خود حدیث «المهدی حق وهو من ولد فاطمة»؛

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۰، ح ۴۰۳۹.

«مهدی حق است و او از اولاد فاطمه است» را نیز نقل کرده است.^۱

۴ - ابن قیّم جوزیه این حدیث را در «المنار المنیف» نقل کرده و به طور مبسوط آن را تضعیف نموده است.^۲ حاکم نیشابوری نیز که این حدیث را نقل کرده از روی تعجب بوده نه آنکه به جهت مطابقتش با شروط شیخین آن را نقل کرده باشد.^۳

ذهبی می‌گوید: «... حدیث (و لا مهدی الا عیسی بن مریم) خبری است منکر که ابن ماجه آن را نقل کرده است».^۴

قرطبی می‌گوید: «حدیث - و لا مهدی الا عیسی بن مریم - معارض با احادیث این باب است. آن‌گاه می‌گوید: احادیثی که نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر و از اولاد فاطمه علیها السلام است ثابت بوده و اصحّ از این حدیث است، پس حکم، مطابق احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر».^۵

۵ - این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی‌امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (و لا مهدی الا عیسی بن مریم) نیامده است.^۶

۶ - روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه علیها السلام متواتر است، و همان گونه که در جای خود اشاره شد عدّه زیادی به تواتر آن تصریح کرده‌اند، ولی حدیث (و لا مهدی الا عیسی بن مریم) بر فرض صحّت سند، خبر واحد است، و هنگام تعارض، خبر متواتر مقدم می‌باشد. و نیز مشهور بین مسلمین در

۱. همان، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. ۲. المنار المنیف، ص ۱۳۰، ح ۳۲۵.

۳. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴. تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، رقم ۲۰۲، ترجمه محمد بن خالد جندی.

۵. التذکره، قرطبی، ج ۲، ص ۲۰۱. ۶. المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۷۷۵۷.

طول تاریخ اسلام، ظهور شخصی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از اولاد فاطمه علیها السلام است، این شهرت می‌تواند مرجح احادیث مهدویت اسلامی باشد. ابوالفیض غماری نیز درصدد پاسخ به حدیث فوق برآمده و با هشت اشکال به آن پاسخ گفته است.^۱

قوت احتمال سوم

از بین این سه احتمال، احتمال سوم قوی‌تر به نظر می‌رسد، و آن این‌که بگوییم: رهبری حکومت عدل جهانی توحیدی برای حضرت مهدی علیه السلام است، گرچه حضرت عیسی علیه السلام نیز در این راستا همکاری گسترده‌ای با آن حضرت دارد. این احتمال مؤیداتی نیز دارد:

۱ - حضرت مهدی علیه السلام وارث شرعی طرح کامل برای حکومت عدل توحیدی است که رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله برای بشریت به ارث گذاشته است.

۲ - مطابق برخی از روایات اسلامی، حضرت مسیح علیه السلام از این‌که امام جماعت را بعد از فرود آمدنش از آسمان برعهده می‌گیرد امتناع می‌کند، و امامت را به فردی از افراد امت اسلامی واگذار می‌کند، این خود دلیل بر آن است که رهبری نهضت جهانی با حضرت مسیح علیه السلام نیست.

۳ - خلاف حکمت الهی است دینی که نسخ شده به توسط رهبرش دوباره اجرا شود، در حالی که رهبری از رهبران دین زنده و ناسخ وجود داشته باشد.

۴ - مطابق آنچه که قبلاً اشاره شد از اناجیل استفاده می‌شود که حضرت

۱. ابراز الوهم المکنون، ص ۵۳۸.

عیسی علیه السلام به کمک «فرزند انسان» می آید و در ملکوت خدا که به دست او برپا خواهد شد سهیم می شود و او کسی غیر از حضرت مهدی علیه السلام نیست.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

- ۱ - قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی
- ۲ - قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی)
- ۳ - قرآن کریم / وزیر (بدون ترجمه)
- ۴ - قرآن کریم / وزیر (ترجمه زیر، ترجمه مقابل)
- ۵ - قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی)
- ۶ - کلیات مفاتیح الجنان / عربی
- ۷ - کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی)
- ۸ - منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی)
- ۹ - منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی
- ۱۰ - نهج البلاغه / (وزیری، جیبی)
- ۱۱ - صحیفه سجاده
- ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام
- ۱۳ - آئینه اسرار
- ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران
- ۱۵ - آخرین پناه
- ۱۶ - آخرین خورشید پیدا
- ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) / شعر و رنگ آمیزی
- ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد
- ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)
- ۲۰ - ارتباط با خدا
- ۲۱ - از زلال ولایت
- ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور
- ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
- ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق
- ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیها السلام (روسی)
- ۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان
- خط نیریزی / الهی قمشهای
- خط عثمان طه / الهی قمشهای
- خط عثمان طه
- خط عثمان طه / الهی قمشهای
- خط نیریزی / الهی قمشهای
- انتشارات مسجد مقدس جمکران
- خط افشاری / الهی قمشهای
- خط افشاری / الهی قمشهای
- خط خاتمی / الهی قمشهای
- سید رضی علیه السلام / محمد دشتی
- ویرایش حسین وزیری / الهی قمشهای
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- حسین کریمی قمی
- علی اکبر صمدی
- محمود ترحمی
- واحد تحقیقات
- سید حمید رضا موسوی
- محمد حسن سیف اللهی
- واحد پژوهش
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- علی اصغر رضوانی
- واحد پژوهش
- علم الهدی / واحد تحقیقات
- سید محمد حسین کمالی
- آلمات آبسالیکوف
- سهراب علوی

- ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات
 ۲۹ - انتظار بهار و باران
 ۳۰ - انتظار و انسان معاصر
 ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه
 ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام
 ۳۳ - بامداد بشریت
 ۳۴ - بهتر از بهار / کودک
 ۳۵ - پرچمدار نینوا
 ۳۶ - پرچم هدایت
 ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشنونت طلبی
 ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری
 ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت ها و ارتداد
 ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن
 ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی
 ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد
 ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد
 ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)
 ۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام
 ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام
 ۴۷ - تشریف یافتگان (چهار دفتر)
 ۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام
 ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام
 ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام
 ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
 ۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت
 ۵۳ - حکمت های جاوید
 ۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه
 ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
 ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
 ۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)
 ۵۸ - دار السلام
- علی اصغر رضوانی
 واحد تحقیقات
 عزیز الله حیدری
 محمد محمدی اشتهاردی
 حسین ایرانی
 محمد جواد مروّجی طبسی
 شمسی (فاطمه) وفائی
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمدرضا اکبری
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 شیخ عباس صفایی حائری
 شیخ عباس صفایی حائری
 واحد تحقیقات
 شیخ عباس صفایی حائری
 سید جعفر میرعظیمی
 میرزا حسین طبرسی نوری
 حسین علی پور
 حسین گنجی
 سید صادق سیدنژاد
 احمد سعیدی
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمد حسین فهیم نیا
 واحد پژوهش
 عباس حسینی جوهری
 رضا استادی
 محمد علی مجاهدی (پروانه)
 شیخ محمود عراقی میثمی

- ۵۹- داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام
- ۶۰- داغ شقایق (مجموعه اشعار)
- ۶۱- در انتظار منجی (روسی)
- ۶۲- در جستجوی نور
- ۶۳- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)
- ۶۴- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پیشاور)
- ۶۵- دلشده در حسرت دیدار دوست
- ۶۶- دین و آزادی
- ۶۷- رجعت یا حیات دوباره
- ۶۸- رسول ترک
- ۶۹- روزنه‌هایی از عالم غیب
- ۷۰- زیارت ناحیه مقدسه
- ۷۱- سحاب رحمت
- ۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
- ۷۳- سرود سرخ انار
- ۷۴- سقا خود تشنه دیدار
- ۷۵- سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات
- ۷۶- سیاحت غرب
- ۷۷- سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی
- ۷۸- سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دوجلدی)
- ۷۹- سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی
- ۸۰- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالع)
- ۸۱- شمس وراء السحاب / عربی
- ۸۲- صبح فرا می‌رسد
- ۸۳- ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۸۴- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
- ۸۵- عریضه نویسی
- ۸۶- عطر سبب
- ۸۷- عقد الدرر في أخبار المنتظر علیه السلام / عربی
- ۸۸- علی علیه السلام مروارید ولایت
- ۸۹- علی علیه السلام و پایان تاریخ
- حسن ارشاد
- علی مهدوی
- آلمات آبسالیکوف
- صافی، سبحانی، کورانی
- شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- کریم شنی
- زهرا قزلقاشی
- محمد حسین فهیم‌نیا
- احمد علی طاهری ورسی
- محمد حسن سیف‌اللهی
- سید محسن خرازی
- واحد تحقیقات
- عباس اسماعیلی یزدی
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- الهه بهشتی
- طهورا حیدری
- علی اصغر رضوانی
- آقا نجفی قوچانی
- دکتر عبداللهی
- محمد امینی گلستانی
- محمد علی مجاهدی (پروانه)
- محمد حسین نائیجی
- السید جمال محمد صالح
- مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- سید اسدالله هاشمی شهیدی
- سید خلیل حسینی
- سید صادق سیدنژاد
- حامد حجّتی
- المقدس الشافعی
- واحد تحقیقات
- سید مجید فلسفیان

- ۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین)
 ۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات
 ۹۲ - فتنه و هابیت
 ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
 ۹۴ - فرهنگ اخلاق
 ۹۵ - فرهنگ تربیت
 ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (بخش)
 ۹۷ - فوز اکبر
 ۹۸ - فریادرس
 ۹۹ - قصه‌های تربیتی
 ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام
 ۱۰۱ - کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام
 ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
 ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
 ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
 ۱۰۵ - گفتمان مهدویت
 ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
 ۱۰۷ - مام فضیلت‌ها
 ۱۰۸ - مشکاة الانوار
 ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب
 ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد)
 ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
 ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه
 ۱۱۳ - منشور نینوا
 ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات
 ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
 ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
 ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد
 ۱۱۸ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان
 ۱۱۹ - مهر بیکران
 ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
- علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 سید محمد واحدی
 عباس اسماعیلی یزدی
 عباس اسماعیلی یزدی
 حسن صدری
 محمد باقر فقیه ایمانی
 حسن محمودی
 محمد رضا اکبری
 واحد تحقیقات
 واحد تحقیقات
 شیخ صدوق رحمته الله علیه / منصور پهلوان
 حسن بیاتانی
 علی اصغر یونسیان (ملتجی)
 آیت الله صافی گلپایگانی
 مرحوم حسینی اردکانی
 عباس اسماعیلی یزدی
 علامه مجلسی رحمته الله علیه
 علی مؤذنی
 موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
 شیخ عباس قمی رحمته الله علیه
 حسین ایرانی
 مجید حیدری فر
 علی اصغر رضوانی
 عزیز الله حیدری
 العمیدی / محبوب القلوب
 علامه مجلسی رحمته الله علیه / ارومیه‌ای
 حسن محمودی
 محمد حسن شاه‌آبادی
 سید مهدی حائری قزوینی